

# دولت رفسنجانی کوپرا آزاد کرد!

● کوپرا، علیرغم نظر رئیس قوه قضائیه بطور مخفیانه به انگلستان فرستاده شد

● رفسنجانی با فرار دادن کوپرا، مخالفان تندرو را در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

در صفحه ۳

در حال فرارند. یا باید بگریزند و یا با بمب‌های فسفوری و ناپالم صدام حسین دود هوا شوند. زن و مرد، کوچک و بزرگ، گفته می‌شود نیم میلیون نفر، گفته می‌شود ۲ میلیون نفر. امروز از بمب‌های فسفوری می‌گریزند، دیروز از بمب‌های شیمیایی می‌گریختند، پریروز از برابر سرکوبگری‌های شاه، پیش از آن از برابر انگلیسی‌ها، پیش تر از برابر مفلون خونریز، ۱۳ قرن پیش از برابر اعراب متعصب تازه مسلمان، پیش از آن از برابر لشکر اسکندر مقدونی... خلق کرد از جمله بزرگترین خلقتی تقسیم شده جهان است، ترک و عرب و فارس حاکم بر سرنوشتشان شده‌اند.

این بار نیز سیاست‌گران در مجموع در برابر کشتار جمعی خلق کرد بی تفاوت نشسته‌اند. فشار افکار عمومی در نهایت باعث شد که چند کامیون و هواپیما مواد غذایی و دارویی برای ۲۵۰ هزار کردی فرستاده شود که پشت مرز ترکیه از دحام کرده‌اند و هنوز نداده است. در روز جمعه ۶ آوریل شورای امنیت سازمان ملل متحد با تأخیر طولانی قطعنامه‌ای خشک و خالی در محکومیت سرکوب خلق کرد از سوی حکومت عراق به تصویب رساند. در این قطعنامه از دولت عراق خواسته شده است به کشتار خلق کرد پایان داده و به سازمان‌های خیریه اجازه کمک رسانی به فراریان کرده‌ها شود. دولت بغداد بر آن است که آن

بقیه در صفحه ۷

# خصومت دوباره در روابط تهران و بغداد

● مجاهدین خلق اعلام کردند رژیم جمهوری اسلامی با نقض قطع نامه ۵۹۸ به نیروهای این سازمان در خاک عراق حمله کرده است

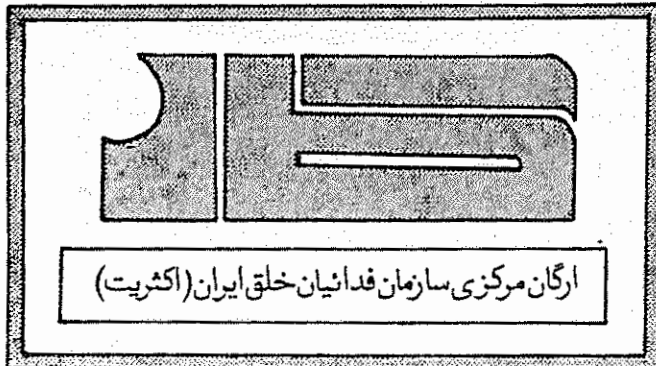
در صفحه ۳

# بهای بلیط پروازهای خارجی چند برابر افزایش یافت!

رادیویی گفت: شورای اقتصاد در راستای ایجاد تعادل، قیمت قبلی را تا ۲/۵ برابر افزایش داد تا ضمن جلوگیری از زیان، شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران را خودکفا کند. وی مدعی شد دولت تصمیم گرفته است میزان ۴۰ درصد تخفیفی را که ابقاش معینی از آن استفاده می‌کردند، برای عموم بدهد و برای ابقاشی که در قانون مربوط به درآمدها از سهمیه ویژه‌ای

قیمت بلیط و خدمات پروازهای خارجی از چهاردهم فروردین سال جاری به میزان قابل توجهی افزایش یافت. مطابق تصمیم شورای اقتصاد از این پس بهای بلیط پروازهای به مقصد خارج از کشور بر پایه دلار ۶۰۰ ریالی محاسبه می‌شود. در برابر این افزایش شدید نرخها، مبلغ ۲۰ هزار تومان عوارض فرودگاهی حذف شده است. روز شنبه ۱۰ فروردین رئیس سازمان برنامه و بودجه در یک مصاحبه پیرامون دلایل این تصمیم

بقیه در صفحه ۲



چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۰ برابر  
۱۰ آوریل ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۱

# کشتار کردها در عراق

● در پی بمبارانهای گسترده شهرهای کردنشین از سکنه خالی شده‌اند



جاده‌ای در کومستانهای مرزی عراق و ترکیه. صدها هزار تن از مردم کرد خانه و کاشانه را ماکرده، به کومها و کشورهای ایران و ترکیه میگریزند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

در صفحه ۲

## به یاری آوارگان کرد بشتابیم!

آن حتی مراکز دولتی ناظر بر فعالیت‌های هنری را هم دربر می‌گیرد. از اینرو وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خود را ناچار به مقابله با ناسزاهای سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی دید و پاسخ داد منشأ این بلوا "جریان کم حوصله و تنگ نظری است که می‌کوشد که ناآگاهی یا کم دانی و کم توانی خود را با تشبیه به مقدسات یا ناسزاگویی به دیگران بپوشاند."

از آنجا که در شرایط کنونی مواجهه با امر هنر و هنرمندان ناشی از ستیز میان جناحهای متخاصم حکومتی است و تابعی از آن شده است، نمی‌توانست در حد مجادله مسئولین دو دستگاه

منفور، کثیف و آلوده نماید." جنجال آفرینی علیه هنرمندان به منظور تحمیل محدودیت‌های تازه در جمهوری اسلامی البته رویداد تازه‌ای نیست. بویژه طی ۶ ماه گذشته نسبت به دوره پیش از آن با شدت بیشتری پی گرفته شد که همراه با پیگرد برخی هنرمندان مستقل نیز بود. ویژگی جنجال تازه در این است که دامنه

# هرزه‌های هنر به روایت وزیر ارشاد

در صفحه ۵

# تظاهرات کردها در اروپا

و حمله به سفارتخانه های رژیم عراق خشم و اعتراض خود را بیان داشتند و افکار عمومی جهانی را به حمایت از خلق ستمدیده کرد عراق فراخواندند.

در پی سرکوب وحشیانه مردم کردستان عراق از سوی رژیم جنایتکار صدام حسین امواج گسترده اعتراض کردها، شهرهای بزرگ اروپا را فراگرفت. کردهای متقیم کشورهای اروپایی با راهپیمایی، میتینگ، اعتصاب غذا

در صفحه آخر

## اهداف و وظایف

"کار" از این پس به طور هفتگی و در شکلی که اکنون پیش رو دارید، انتشار می‌یابد. شورای مرکزی سازمان پس از تبادل نظرهای گسترده با اعضا، مسئولین و دست‌اندرکاران فعالیت مطلوب. اتی سازمان، به منظور بهبود کیفیت کار و پاسخگویی موثر به ضرورت‌های موجود، تصمیم گرفت تا همزمان با توقف انتشار نشریه "اکثریت"، "کار" در شکل و محتوایی متفاوت با گذشته، انتشار یابد. تحریریه گسترش یافته نشریه، که حاصل یگانگی گروه‌های کار نشریات "اکثریت" و "کار" و نیز همکاری نزدیکتر شمار بیشتری از قلم‌زنان سازمانی است، با درک اهمیت وظایف خطیری که "کار" در این مرحله از حیاتش پیش رو دارد، دور تازه فعالیت را با امید و خوشبینی آغاز می‌کند. برای این خوشبینی و امید دلایل زیادی وجود دارد.

حدت بحرانی که طی سال‌های اخیر بخش بزرگی از چپ دنیا و بالطبع چپ ایران را در خود فروبرد، بر کسی پوشیده نیست. اما ارتشهای شکست خورده بهتر می‌آموزند و چپ ایران اکنون در جریان راهی از هوارض شکست‌های سنگین آموزشی‌ها را می‌موزد، خود را از قید دگم‌های بی پایه می‌رهاند، پوسته فرقه‌گرایی را می‌ترکاند و پاک‌وله باری از تجربه استقبال آینده را تدارک می‌کند. در این ایام، دردها بیش از هر زمان مشترک است و راه‌جویی‌ها مشابه. "کار" می‌خواهد به مثابه تنها نشریه هفتگی چپ ایران، بدور از هرگونه تنگ نظری، فریادگر درد مشترک و راهی تدبیر چاره‌جویان باشد.

شلاق زندگی که از جمله در ایام اخیر در خلیج برگرده هانست، درنگ و خواب را مجال نمی‌دهد و سفیرش تکرار یک پیام است: جهان ناهادلانه است و بسیار هم. فریاد ایران ما نیز بیانگر رنج، درد و بیدادی است که سالهاست از حد در گذشته. چپ، متعهد و مسئول است و جانبدار خوشبینی نسبت به انسان و آینده. پس فریادگر است و فریادش جز آزادی و داد نیست. "کار" می‌خواهد در حد بضاعتش بلندگویی این فریاد باشد و هم از این رو خود را، نه متولی اردوگاه چپ ایران، که متعلق به آن می‌داند و چرا یاور نکند که هر راه‌جو و فریادگر دادخواه و آزاده‌ای هم او را اگر نه متعلق به خود، که همراه و هم کیش خویش میدانند و دست یاری‌اش را می‌تشارد؟

"کار"، ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، پرچم و هم سوکننده تلاش مبارزینی است که در این سازمان گرد هم آمده‌اند. پس، همانگونه که مرسوم هر ارگان و نشریه حزبی است، حامل همیشگی پیام نهادهای مسئول به اعضا و بیانگر خواست‌ها و نیازهای اعضای سازمان نیز هست. فروریزی حصارهای کاذب ناشی از تحزب سنتی و رشد احساس تعلق عمومی به اردوگاه چپ کشور در صفوف سازمان، این امکان را فراهم آورده که "کار" بتواند بی‌آنکه به سیمای آن به مثابه نشریه‌ای متعلق به کل چپ ایران خدش‌های وارد آید، به وظایف خود به عنوان ارگان سازمان نیز جامه عمل ببوشاند. گذر از امکان به فعل و زمینی کردن آنچه از دور قابل حصول می‌نماید، البته چندان آسان نخواهد بود. ما می‌کوشیم تا در انجام این مهم توفیق یابیم

بقیه در صفحه ۲

# دور تازه جنجال آفرینی علیه هنرمندان

با سخنان آیت‌الله جنتی سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی در نماز جمعه شهر قم در تاریخ هفدهم اسفندماه جنجال تازه‌ای که علیه هنر و هنرمندان در مطبوعات کشور برپا شده دامنه بیشتری یافته و واکنش‌های متفاوتی را در پی داشته است. جنتی در این سخنرانی با حمله به برخی اقدامات وزارت ارشاد از قبیل برپایی جشنواره‌های هنری هشدار داد که فعالیت فرهنگی امروزین در جامعه "حرکت

خرنده‌ای تحت نام هنر" است. وی با هتاک به هنرمندان فعال در شرایط کنونی، آنها را "چجرده‌های

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# توقف کار «راديو زحمتکشان ايران»

روز ۲۹ اسفند، همزمان با پایان سال ۱۳۶۹ پخش برنامه های «راديو زحمتکشان ايران» متوقف شد. از چند هفته قبل از پایان سال، پخش برنامه های ویژه ای توسط کارکنان راديو تدارک دیده شد و تعطيل قریب الو قوع آن به اطلاع شنوندگان رسید.

«راديو زحمتکشان ايران» پخش برنامه های راديویی خود را از سال ۱۳۶۳ آغاز کرد و بدون یک روز وقفه مدت ۷ سال آثر ادامه داد. طی این مدت «راديو زحمتکشان ايران» کوشید با افشای سیاستهای جمهوری اسلامی و دعوت مردم به مقاومت در برابر جنگ طلبی، سرکوب، اختناق، جهالت و خرافه پرستی و بیعدالتی به مبارزه در راه آزادی و صلح، پیشرفت و عدالت یاری رساند و صدای زحمتکشان ايران باشد. سازمان ما همچنین کوشید با استفاده از تریبون راديو زحمتکشان ايران با پخش اعلامیه ها و تحلیل های ارگانهای سازمانی، ارتباط با فعالین فدایی در داخل کشور را تقویت کند. تعطيل راديو زحمتکشان به پیشبرد این اهداف لطمه میزند.

راديو زحمتکشان ايران در شرایط سیاسی بین المللی و منطقه ای خاصی امکان فعالیت یافت. با تغییر این شرایط امکان ادامه فعالیت آن دیگر وجود ندارد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت از تلاشها و زحمات بیوقفه فدائیان که طی ۷ سال گذشته برای تقویت مبارزه در راه صلح، آزادی و عدالت و ساندن صدا و پیام سازمان به مردم ايران و فدائیان داخل کشور از طریق «راديو زحمتکشان ايران» کوشیدند و زحمات همه کارکنان راديو، قدر دانی میکنند.

با تعطيل شدن «راديو زحمتکشان ايران» شورای مرکزی و اعضا سازمان، با تقویت امکانات موجود و بهره گیری از امکانات نوین در جهت حفظ گسترش سطح فعالیت سیاسی خود خواهند کوشید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

اول فروردین ماه ۱۳۷۰

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

# به یاری آوارگان کرد بشتابیم!

در پی بالاگرفتن امواج مبارزات مردم عراق و خلق ستمدیده کردیان کشور، رژیم جنایتکار صدام حسین به سرکوب و وحشیانه مردم و بمباران گسترده شهرهای کردنشین دست زده است.

در نتیجه بمبارانهای سنگین و انتقام کشی چون آمیز مزدوران صدام از قیام کنندگان کرد، صدها هزار تن از مردم کردستان عراق به ايران و ترکیه پناهنده شده اند و حدود دو میلیون تن از آنان آواره و گمراه شده و به سوی مرزهای ايران و ترکیه در حال فرارند. بخش بزرگی از آوارگان را زنان، سالمندان و کودکانی تشکیل می دهند که برای نجات جان خویش، مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند.

کشتار وسیع مردم و آوارگی دو میلیون انسان ستمدیده که بیانگر ددمنشی دیکتاتور خون آشام بغداد است، در تاریخ منطقه بی سابقه می باشد. اکنون خطر مرگ در اثر گرسنگی، سرما و بیماری توده عظیم انسانی در دامن و تعیدست را که از بمبارانها جان بدر برده اند، تهدید می کند.

این جنایت بیسابقه بدون چشم فرو بستن امریکا که اینک بخشی از عراق را در اشغال خود دارد و با آن کشور همانند یک کشور تسلیم شده بدون قید و شرط رفتار می کند، امکان پذیر نبود. کاخ سفید که در آغاز مردم عراق را به قیام علیه حکومت صدام و سرنگون ساختن آن فرا می خواند، در نیمه راه دست صدام حسین را باز گذاشت و بر استفاده رژیم صدام حسین از نیروی هوایی چشم پوشید تا قیام خلق کرد و مردم عراق را که مطلوب حکومت امریکانست، به خاک و خون بکشد.

بر خورد حکومت بوش با قیام کنندگان عراقی، با قاطعیت اثبات نمود که مداخله امریکا در تحولات منطقه ای و مسائل داخلی کشورها، هرگز به سود آزادی، حق تعیین سرنوشت و پیشرفت ملتها نیست و کاخ سفید همیشه و هر لحظه آماده است تا هستی ملتآزاد را به بی رحمانه ترین وجهی در پیش پای منافع خویش قربانی کند و برای دولت مردان امریکائی دفاع از حقوق بشر و آزادی، تنها وسیله و ابزاری برای سرپوش نهادن بر اهداف

توسعه طلبانه و امپریالیستی به شمار می رود. اکنون صدها هزار کشته و مجروح و دو میلیون آواره که نتیجه جنون و قدرت طلبی بیمارگونه دیکتاتوری فاسد است، زخم تازه ای بر پیکر بشریت نهاده است. توقف سرکوب خلق کرد و ایجاد شرایط مساعد برای بازگشت فوری آوارگان، نخستین اقدام اساسی است که جامعه جهانی و سازمان ملل متحد باید متحقق سازند. سازمان ملل متحد نباید ناظر بی طرف نسل کشی در کردستان عراق باشد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ضمن حمایت از تلاشهای بشریت ترقی خواه و احزاب، سازمانها، مجامع و شخصیتهای - انسان دوست جهان در جهت مهار جنون دیکتاتور بغداد، هم میهنان آزاده و مبارز را به پیوستن بدین تلاش بین المللی فرا می خواند و از همه اعضا و هواداران سازمان می خواهد تا با همه توان و امکانات خویش در این کارزار مشارکت جویند و با تمام قوا در هر کجا که هستند، اقدامات لازم برای جمع آوری فوری کمک را معمول دارند.

ما ضمن اظهار همدردی همیق با آوارگان کرد و عراقی، دولت جمهوری اسلامی را موظف می شناسیم در جهت اسکان پناهندگان، کمک رسانی به آنها و ایجاد تسهیلات ضروری برای رسیدن کمک های بین المللی بدست آوارگان، اقدامات نوری به عمل آورد.

هم میهنان!

ما مردم بلاکشیده ايران رنج هشت سال آوارگی در جنگ را از نزدیک لمس کرده ایم. اینک انسانهایی بیگناه برای نجات جانفشان رو به ما آورده اند. به یاری آوارگان کرد بشتابیم و بی پناهان ستمدیده ای را که اکنون به کشور ما پناه آورده اند باغوش باز بپذیریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۴ فروردین ۷۰

# بهای بلیط پروازهای خارجی چند برابر افزایش یافت!

کاری موقت راهی خارج از کشور و به طور عمده ژاپن می شوند نیز با تصمیمات اخیر، دچار مشکلات جدی شده اند.

بقیه از صفحه اول

استفاده می کردند، تخفیف های دیگری را منظور دارد.

قیمت های جدید متناسب با بعد ناصله تعیین شده و در بسیاری موارد بسیار بیشتر از ۲/۵ برابر مورد اشاره رئیس سازمان برنامه و بودجه افزایش یافته است. بهای بلیط رفت و برگشت به دوی که قبلا با احتساب ۲۰ هزار تومان عوارض فرودگاهی ۲۳ هزار تومان بود، اکنون به ۲۸ هزار تومان رسیده است، بهای بلیط استانبول از ۲۷ به ۵۷ هزار تومان، فرانکفورت از ۳۲ به ۱۰۲ هزار تومان و توکیو از ۴۴ به ۲۰۵ هزار تومان رسیده است. گران شدن بلیط پروازهای خارجی در وهله اول فشار شدیدی بر دوش میلیون ها خانواده ایرانی که بر اثر سیاست های استبدادی رژیم اسلامی در ایران و خارج پراکنده شده اند، وارد می آید. بخش قابل توجهی از ایرانیان کم درآمد که خارج از کشور مهاجرت کرده اند، با تصمیم اخیر مقامات اسلامی امکان دیدار گاه بگاه عزیزان خود را نیز از دست خواهند داد. دهها هزار جوینده کار که برای یافتن

نظم و نسق بخشیدن به یک شبکه توزیع کار و آموزش که امیدواریم به نتایج مثبت بیانجامد، کار کرد خبری نشریه را تقویت خواهد کرد.

تلاش ما برای آنکه «کار» وظیفه مهم خیررسانی را پیش ببرد، تنها وقتی مقرون به پیروزی خواهد بود که خوانندگان نشریه و ویژه یارانی که امکان دریافت خبر و گزارش از داخل کشور را دارند یاور و مددکارمان باشند. ناگفته نماند که بسیاری از اخبار و گزارشات تاریخ روز دارند و تاخیر در ارسال آنها با عدم انسابشان مساوی خواهد بود.

کار یک نشریه عمدتاً سیاسی و نه صرفاً سیاسی است. صفحات فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی و اقتصادی نشریه به انعکاس حاصل کار قلمزنان اختصاص دارد که نوآوری و ترقی در این هرصه ها را پی می گیرند. سرویس هایی که برای تنظیم این صفحات پایه گذاری شده اند، از همکاری همه نویسندگان و مترجمانی که مایل به انتشار مقالاتشان در نشریه هستند، به گرمی استقبال می کنند.

کار به عنوان یک نشریه همدنمند و جهت دار می کوشد تا قواعد ژورنالیسم را بکار بندد و در چارچوب کلی نظام ارزشی خود، با توجه به محدودیت صفحات نشریه بر اساس کیفیت، نوآوری و همومیت موضوع به انتشار مطالب ارسالی از سوی نویسندگان و مترجمان علاقمند بپردازد.

و سرانجام، کار بدون ارتباط متقابل خوانندگان ماهی در خشکی را ماند. «کار» نشریه همه ماست. با تغذیه مستمر آن، به حیات و پویایی اش یاری رسانیم

تحریریه کار

دارند و بسا خبرهای دست اول که از طریق کار به جامعه راه می برند.

کار نشریه «سازمان چریک های فدایی خلق ایران» است. پس با آن بزرگ می شود، با آن به چپ و راست می زند، با آن منشعب می شود، با آن آب می رود و با آن به زیر زمین رانده می شود و پس از وقفه ای دوساله باردیگر در اول اسفند ۱۳۶۲ و این بار به صورت ماهنامه و با شکل و شمائلی دیگر و در مهاجرت رخ می نماید.

«در آستانه سال جدید، نشریه «کار» ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بعد از دوسال وقفه، باردیگر حیات انقلابی خود را آغاز می کند. انتشار نشریه «کار» نویدی است امیدبخش برای همه انقلابیون راستین خلق در سال نو... دیروز «کار» می توانست هر هفته به شکل خبری - تبلیغی پیام مارا به گوش خلق برساند. امروز که این شرایط فراهم

بقیه از صفحه اول

# کار:

# اهداف و وظایف

«کار» حوادث سیاسی کشور و جهان را پی می گیرد و به تحلیل تحولات می پردازد. در پهنه تئوری ها نیز می کوشد تا حضور موثر داشته باشد و نه فقط در صفحات هفته نامه که در ویژه نامه هایی هم که بدین منظور انتشار می یابد، بیانگر تلاش های فکری ر نوآوریهای صاحبان اندیشه و قلم باشد. اما علاوه بر اینها خبررسانی را در شمار مهمترین وظایف خویش میدانند.

انتشار هفتگی نشریه، به ما امکان می دهد که حقایق مربوط به کشور و جهان را از طریق یک نشریه فارسی زبان به گوش هم میهنانمان برسانیم. اصلاحاتی در محدوده تقویت منابع خبری، تسریع در دریافت اخبار و رساندن حتی المقدور سریع تر نشریه بدست خوانندگان آغاز شده است. کمک کسانی که تا امروز در توزیع نشریات یاورمان بودند به منظور جایگزینی سیستم آبونمان مستقیم و فردی به جای روش های دیگر، و

# نگاهی کوتاه بر کار

کارگری برداریم... نشریه ای که بدین گونه آغاز کرد در ۱۱ اسفند ۱۳۶۰، به فرمان دادستان انقلاب اسلامی مرکز توقیف شد. در این دوره سه ساله ۱۵۰ شماره کار انتشار یافت و این ۱۵۰ شماره، آینه حیات سازمان در آن دوران پر تحول است. متلاطم ازمانی تیز و کوبنده و انشاگر و زحمتی دیگر ملایم و نه همیشه در یک خط. کار ۳۶ نقطه عطفی است و کار ۵۸ نقطه چرخش. و هر چه هست آینه ایست که در آن می توان فراز و نشیب زندگی یک سازمان جوان، در دوره ای پرتلاطم را دید.

کار در این دوره روزنامه نگاری را تجربه می کند. تیراژ اما، بالاست. دهها هزار نفر آن را می خوانند و بدان اعتماد

نخستین شماره از دوره سوم نشریه کار را در دست دارید و به این بهانه مروری داریم به زندگی ۱۲ ساله کار. سرمقاله اولین شماره کار در ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ با این جملات آغاز شد:

«اینک که خلق ما متحد و یک پارچه پس از نبرد خونین رژیم سلطنتی را واژگون کرده، در جهت نابودی کامل ارتجاع و سلطه امپریالیسم پیش می رود...»

اینک که وظیفه همه نیروهای انقلابی است که دست آوردهای انقلاب را حفظ کنند و بکوشند تا آخرین بقایای ضد انقلاب را براندازند...

ما وظیفه خود می دانیم که با انتشار یک نشریه ویژه کارگری قدمی دیگر در جهت ارتقا جنبش

تلم زده، چراسر بلند نباشد؟ دور جدید کار با شکل و محتوایی متفاوت با دور دوم انتشار می یابد. آنچه در این باب گفتنی بود در سرمقاله این شماره گفته شد. برگفته ها می توان برای تاکید دوباره افزود که «کار» بر سر پیمان دیرینه خویش ایستاده است:

بشکنی ای قلم دست اگر پیچی از خدمت محرومان سر

کرد و آنچه از خوب و بد سازمان گفتیم می گوئیم «کار» را هم شامل است. ولی یک نکته را باید گفت: کار خطا کم نداشت. اما در هیچ زمان، کلامی بر زبان نیاورد مگر آنکه باور داشت که به سود مردم ایران می گوید. در جهانی و زمانی که بسی از مدهیان جز دزدی خویش نیستند، آنکه دوازده سال با هشق به مردم و با ایمان و باور به اینکه برای مردم و در راه بهروزی آنان می نویسد،



# دولت رفسنجانی

## کوپر را آزاد کرد!

رفسنجانی با فرار دادن کوپر، مخالفان تندرو را در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

# خصوصیت دوباره در روابط تهران و بغداد

خامنهای از مردم عراق خواست صدام را سرنگون کنند!

لندن بوده است، سوار کرده اند. گفته می شود رفسنجانی عمداً زمانی را برای آزادی وی انتخاب کرده است که مجلس و روزنامه ها تعطیل باشند (روز دوشنبه به مناسبت روز تاسیس جمهوری اسلامی تعطیل عمومی بود). این کار از ترس واکنش احتمالی تندروها صورت گرفته است. بدین ترتیب راجر کوپر انگلیسی همانگونه که فیرقانونی بازداشت، محاکمه و محکوم گردید. همانگونه نیز فیرقانونی و غیرقانونی رئیس قوه قضائیه رژیم از زندان آزاد گردید.

دولت رفسنجانی کوپر را با شتاب تمام و با زیر پا نهادن قوانین رژیم و تحقیر دستگاه قضایی حکومت خود آزاد ساخت تا هزم دولتش به تحکیم رابطه با دولت انگلستان را اثبات کند. اما این اقدام در انگلستان با واکنش گرمی روبرو نشد و مقامات انگلیسی تاکید کردند که تنها پس از آزادی ۳ گروگان انگلیسی در لبنان، ناسبات دو کشور دچار تحولی جدی خواهد شد.

از نظر بسیاری، آزادی راجر کوپر مقدمه ای بر آزادی گروگانهای فربنی در لبنان تلقی شده است. وجود این گروگانها مانعی اساسی در گسترش روابط جمهوری اسلامی و غرب، به ویژه آمریکا و انگلستان بوده است. دولت آمریکا چندین بار

به ناصله کوتاهی پس از آزادی مجرداد کوکبی توسط پلیس انگلستان، دولت رفسنجانی اواسط هفته گذشته راجر کوپر بازرگان انگلیسی را که به جرم جاسوسی در زندان اوین به سر می برد آزاد کرد. بلافاصله پس از آزادی دانشجوی حزب الهی احتمال آزادی راجر کوپر در محافل وابسته به دولت مطرح شد. این احتمال نخستین بار از طرف روزنامه تهران تایمز عنوان گردید. جریانات تندرو نسبت به احتمال آزادی راجر کوپر واکنش شدیدی نشان دادند و روزنامه جمهوری اسلامی به شدت مدافعین آزادی وی را مورد حمله قرار داد. بر اثر فشار شدید تندروها شیخ محمد یزدی رئیس قوه قضایی رژیم روز ۲۷ اسفند ماه گذشته تاکید کرد که کوپر تا پایان مدت محدودیت خود در زندان باقی خواهد ماند. چند روز پس از آن محمد جواد لاریجانی مشاور رفسنجانی در امنیت ملی اعلام کرد که کوپر آزاد خواهد شد. و بالاخره شب یکشنبه ۱۱ فروردین، بازرگان انگلیسی از زندان اوین یکر است به فرودگاه انتقال داده شد و همان شب به سوی لندن پرواز کرد. راجر کوپر در لندن گفت که حوالی نیمه شب وی را از زندان اوین به فرودگاه برده اند و با عجله و قبل از سایر مسافری به هواپیمایی که هازم

است. مجاهدین مدعی شدند که این حمله را با کشتن صدها تن از عوامل جمهوری اسلامی دفع کرده اند و متقابلاً به ضدحمله علیه پاسداران اقدام کرده اند. در همین روز جمهوری اسلامی نیز طی واکنش شدیدی، بدون اینکه نامی از مجاهدین خلق برد. نسبت به حمله نیروهایی از خاک عراق به منطقه قصر شیرین - به دولت عراق اعتراض کرده و خواهان توضیح این دولت شد. جمهوری اسلامی در نامه اعتراض آمیزی که برای شورای امنیت فرستاد اذعان کرد که افرادی از خاک عراق به نیروهای رژیم در قصر شیرین حمله کرده و ۳۵ تن از آنان را به اسارت گرفته اند. مجاهدین خلق روز ۵ شنبه گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن فیلیپی از اعتراضات ۳ تن از پاسداران رژیم را به ناپایب نهادند. این پاسداران تایید کردند که در جریان یورش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به مجاهدین در منطقه خانتین مورد تاخت و تاز قرار ندادند است.

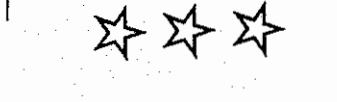
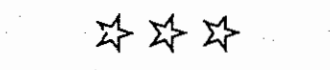
خامنهای رهبر اسمی جمهوری اسلامی در سخنرانی خود در نماز جمعه هفته گذشته تهران صدام حسین را به شدت مورد حمله قرار داد و از مردم عراق خواست: "راه خود را ادامه دهند و کار را به پایان رسانند". خامنهای مردم عراق را به تحمل سختی ها و ادامه مبارزه تا سرنگونی صدام حسین فراخواند.

علی رقم تاکیدات رسمی دولت مبنی بر پرهیز از دخالت در امور داخلی عراق، روزنامه های فربنی و از جمله روزنامه نیویورک تایمز گزارشی از دخالت عوامل رژیم به نفع شیعیان جنوب عراق منتشر کرده اند. رژیم عراق نیز تاکنون چندین بار، به طور فیرمستقیم و بدون اینکه نامی از جمهوری اسلامی ببرد، یک کشور همسایه را به دخالت در حوادث این کشور متهم ساخته و در این مورد شکوایه ای به سازمان ملل متحد تسلیم کرده است.

هفته گذشته گزارش هایی در مورد درگیری های مرزی بین نیروهای جمهوری اسلامی و مجاهدین خلق نیز انتشار یافت. مجاهدین با انتشار اطلاعاتی در پاریس خبر دادند که جمهوری اسلامی در روز ۱۲ فروردین در یک تهاجم گسترده به نیروهای آنان در خاک عراق حمله کرده

همزمان با شدت یافتن سرکوب قیام مردم عراق توسط صدام حسین روابط تهران - بغداد به شدت رو به تیرگی گذاشته است. روابط بین دو رژیم پس از بمباران مراکز مقدس شیعیان در نجف و کربلا توسط ارتش صدام حسین و ظمور آیت الله خویی در تلویزیون بغداد به خصوص گرایید و در حال حاضر به تیره ترین سطح پس از شروع بحران خاورمیانه رسیده است. همزمان با وخامت مناسبات سران جمهوری اسلامی تاکید کردند قصد ندارند هواپیمای عراقی را که اکثر آسب دیده هستند به جای فرامت صادره کنند. آنها هواپیماها را مسترد خواهند کرد و فرامت خود را طلب خواهند نمود.

در حالیکه هاشمی رفسنجانی و علی اکبر ولایتی در دیدارهای خود با مقامات کشورهای فربنی و از جمله در دیدار هفته گذشته با وزرای خارجه کشورهای لوکزامبورگ، هلند و ایتالیا که به نمایندگی از طرف جامعه اقتصادی اروپا به تهران آمده بودند، بر سیاست بیطرفی جمهوری اسلامی نسبت به حوادث داخلی عراق تاکید می ورزند و از محکوم کردن کشتار مردم این کشور - نراتر نمی روند، علی



سوم. باغهای آدنویس. بیرونی می آورد: و هر کدام از آنان (مردمان) در ظرفی یا چیزی مانند آن تبرکاجو کاشت و از آن زمان به بعد این آیین مر سوم گشت که در این روز در اطراف ظرفی هفت نوع فله را بر منت ستون بکارند، و خوبی و بدی رویش فلات را در سالی که در پیش بود، از چگونگی روییدن آنها پیش بینی می کردند.

# ریشه های نوروز باستانی ما

چهارم. به کار بردن آب برای تطهیر و برای اطمینان یافتن از باران کافی. بیرونی گوید: جم (جمشید) به مردم فرمان داد که خود را با آب بشویند تا از گناهان پاک شوند... و بعضی این رسم را با کندن نمرها به دستور جم مربوط می دانند. بیرونی می افزاید: "از سوی دیگر بعضی نقل می کنند که هلت واقعی شست و شو در این روز این است که این روز به خرداد (ایزد موکل بر آب) اختصاص دارد که فرشته موکل بر آب است و اوست که با آب پیوستگی دارد. از اینروست که مردمان در هنگام سپیده دم این روز خود را می شستند و در آب، کاریزها و آبگیزها فوطه ور می شدند. گاهی اوقات از آبجای جاری بر می داشتند و آن را برای تبرک، و نیز به این منظور که آفتخار از خود دور سازند، بر خود می پاشیدند. در این روز مردمان به یکدیگر آب می پاشیدند... برگزاری جشن روز اول سال در بابل، همانگونه که دیدیم، کار دولتی پراهمیتی بود: تجدید پیمان شاه با خدایان بود؛ در این روز بزرگان کشور به گردش فرام می آمدند، و می توان تصور کرد که در روز اول سال کارهای مهم گوناگون کشور را تدارک می دیدند. نوروز تا اندازه زیادی این ویژگی جشن دولتی را حفظ کرده است. در حالی که جشن هاله فقط شش روز بود، جشن رسمی در آغاز دوره ساسانی در همه ماه فروردین ادامه می یافت...

انواع بلایا در طول سال در امان باشد... و بعضی این رسم را با کندن سنتهای مربوط به نوروز بزرگ است... و بعضی این رسم را با کندن اصلی جشن قدیمی زگموک و خاطر ههایی از دوباره زنده شدن آدنویس را می یابیم:

نخست سرنوشت انسان و جهان در سالی که در پیش است، تعیین میشود. بیرونی می گوید: گویند که در این روز (نوروز بزرگ) بخت زردشت با خدا گفتگویی پنهانی داشت... و در این روز نیکبختیها برای مردمان زمین تقسیم می گردد، و از این روست که ایرانیان آن را روز امید نامند. بگفته تزوینی در عجایب المخلوقات این روز (نخستین روز فروردین) اورمزد (هرمز) نام دارد که یکی از نامهای خداست، زیرا ایرانیان بر آنند که در این روز نیکبختیها برای مردم زمین تقسیم میشود... و به چیزهای خوب و بدی که در این روز اتفاق می افتد، تغال می زنند...

دوم. خدای گیاهان دوباره زنده میشود. بیرونی گوید: گویند که در بامداد این روز بر کوه بوشنج شخص خاموشی ظاهر می گردد که دسته ای از گیاهان خوشبو در دست دارد، ساعتی ظاهر می شود و بعد ناپدید می گردد و تا همین ساعت در سال بعد، دیده نمیشود...

اگر دایره المعارف و کتب تاریخ و هنر را ورق بزنیم مطلبی قانع کننده و روشنگری در این باب جز مقاله ایرانشناس معروف دانهارکی یعنی آرتور کریستن سن نخواهیم یافت. ایشان این مقاله را به ضمیمه در کتاب "نخستین انسان و نخستین شجریار در تاریخ اساطیری ایران" آورده اند. از آنجائیکه امکان دستیابی همه به آن نیست، لذا خلاصه تسمی از این مقاله پرارزش را تقدیم حضورتان می داریم: "بابلیان از دورانهای بسیار قدیم روز اول سال راهمو مادر اعتدال بهاری جشن می گرفتند. این زمان اول بهار و آغاز فصل نواست: زمانی که طبیعت از خواب زمستانی بیدار میشود، در حقیقت آغاز سال نواست. جشن بابلی که ایدئوگرام آن زگموک است، در دوران گوده (تقریباً ۲۳۴۰ سال پیش از میلاد) شناخته شده بود. اما زگموکی که ما آترا بهتر می شناسیم، همانست که در کتیبه های بابلی جدید آمده است. زگموک یازده روز نخستین ماه نسیان را که نخستین ماه سال بود و از اواسط ماه مارس آغاز می گشت، در بر می گرفت و بنابراین جشن روز "اعتدال بهاری" را هم شامل می شد. زگموک را به افتخار خدای مردوک جشن می گرفتند و معبد بزرگ این خدا در اسگیلا در بابل، مرکز این مراسم بود. چنین تصور می شد که در روز اول سال همه خدایان به ریاست مردوک در آنجا گرد هم می آمدند تا سرنوشت سالی را که در پیش بود، به ویژه حوادث زندگی شاه را تعیین کنند. همچنین شاه بابل می بایست در هر سال در هنگام جشن زگموک، در حالی که دست تندیس مردوک را در دست دارد، پیمان خود را با خدایان تجدید کند. به این مناسبت آتش می افروختند و تصور گردش خدا در گردونه، در بخشیدن ویژگی با شکوهی به روز اول سال سمعی داشته است. در متنی از بنوکندسر گفته شده است که در هشتمین و یازدهمین روز زگموک، خدای آسمان و زمین در حضور خدایان دیگر که در برابر او ایستاده و متواضعانه در پیش او خم شده اند او را محبوبانه می نگرند، سرنوشت و حوادث زندگی بشر را تنظیم

### ادغام نیروهای انتظامی

سهرابی است. در همین حال بدستور خامنه‌ای شخصی بنام رضا سیف‌الهی از مسئولین سپاه پاسداران به نیروی انتظامی کشور منتقل گردید و با درجه سرتیپی به سمت فرماندهی حفاظت اطلاعات این نیرو منصوب شد.

در هفته گذشته طرح ادغام نیروهای انتظامی سه‌گانه که در سال گذشته تصویب شده بود به اجرا درآمد. با اجرای این طرح شهربانی کل کشور، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی در هم ادغام شدند و یک سازمان تازه بنام نیروی انتظامی کشور بوجود آمد. فرمانده نیروی انتظامی کشور سرتیپ محمد

# از میان رویدادهای ایران

## سقوط بهای نفت خام

با وجود تصمیماتی که در اجلاس اسفندماه وزرای نفت کشورهای عضو اوپک جهت دستیابی به بهای پایه ۲۱ دلار برای هر بشکه نفت و تثبیت آن اتخاذ گردیده سقوط بهای نفت در بازارهای جهانی ادامه یافته است. بهای نفت فاتح دویی در هفته گذشته به ۱۴ دلار تنزل کرده است.

در اجلاس اخیر اوپک توافق شده بود که با کاستن از حجم تولید، مجموعه تولید روزانه اوپک از سقف ۲۲ میلیون و سیصد هزار بشکه تجاوز نکند. تسایا کاهش عرضه بهای نفت افزایش یابد. اما وضعیت کنونی بازار نفت نشان می‌دهد که این تصمیم نه فقط برای دستیابی به بهای پایه ۲۱ دلار کارآئی نداشته بلکه حتی قادر به حفظ قیمت روز نفت یعنی ۱۸ دلار

نیز نشده است. مانع اصلی تثبیت بهای نفت، حجم انبوه تولید عربستان سعودی است. این کشور بدنبال آغاز بحران خلیج فارس، تولید خود را تا نزدیک دو برابر افزایش داد.

عربستان در اجلاس اخیر تنها با کاهش سیصد هزار بشکه از مجموع ۸ میلیون و سیصد هزار بشکه نفتی که روزانه تولید می‌کند، موافقت کرد. با چنین حجم تولیدی نمی‌توان انتظار بهبودی را در بازار جهانی نفت داشت. به پیش‌بینی نشریات اقتصادی اکنون احتمال تخطی اعضا از سهمیه بندی اوپک و افزایش عرضه نفت و آغاز دور تازه‌ای از جنگ قیمت‌ها افزایش بیشتری یافته است.

## درگیری قاچاقچیان و مامورین دولتی چهل روزه طول انجامید

ارومیه و تهران بازداشت شدند. قاچاقچیان گروه فوق حامل ۸ تن مرفین بودند که در پاکستان تهیه شده بود و به مقصد ترکیه و اروپا حمل می‌شد. از این محموله تنها ۲۵۰۰ کیلوگرم به شهر ارومیه رسید ضبط گردید و برآورد می‌شود که از این محموله ۵۰۰ کیلوگرم در بازار داخلی ایران توزیع شده است.

سرکرده گروه مزبور که شیرمحمد قنبرزی نام دارد مقیم پاکستان است. یگفته مختار کلانتری، این شخص برای ترمیم گروه و آغاز مجدد عملیات به دو سال زمان نیاز دارد. فرمانده کمیته هم چنین از دو گروه بزرگ دیگر قاچاق نام برد که در منطقه به حمل و توزیع مواد مخدر در ابعاد بزرگ مشغولند.

در تهران اعلام شد که درگیری شدید و دامنه‌دار میان یکی از گروههای بزرگ قاچاق مواد مخدر و مامورین انتظامی پس از چهل روز با شکست قاچاقچیان مسلح خاتمه یافت. مختار کلانتری فرمانده کل کمیته‌های انقلاب در همین حال افزود عملیات برای ردیابی باقیمانده این گروه که به دسته‌های کوچکتری تقسیم شده‌اند، ادامه دارد. این درگیری در منطقه وسیعی در کویر مرکزی ایران جریان داشت و شدت و دامنه آن بگونه‌ای بود که نیروهای دولتی ناگزیر به جردگیری از واحدهای هواییروز گردیدند. طی این عملیات گروهی از پاسداران کمیته کشته شدند و گروه دیگری نیز به اسارت قاچاقچیان درآمدند. در مصاحبه فرمانده کمیته گزارشی از تلفات احتمالی قاچاقچیان داده نشد اما گفته شد که عده‌ای از همدستان آنها در

## آغازی برای مناسبات سیاسی ایران و مصر

و مصر در قاهره و تهران گشایش یافت. این دفاتر از سال ۱۳۶۵ تعطیل شده بودند. رابطه سیاسی دو کشور نیز در سال ۱۳۵۸ از سوی ایران گسسته شده بود.

همزمان با از سرگیری رابطه دیپلماتیک میان دولت‌های ایران و عربستان سعودی، نخستین گام برای آغاز رابطه سیاسی میان ایران و مصر برداشته شد. بدنبال توافق دو دولت دفاتر حفاظت منافع ایران

## احضار کلیه مشمولین سالهای ۳۸ تا ۵۰

کامیاران باید با در دست داشتن دفترچه آماده به خدمت از تاریخ ۱۹ تا ۲۵ فروردین ماه جاری برای اعزام به خدمت به حوزه‌های مربوطه مراجعه کنند. به گزارش واحد مرکزی خبر کلیه مشمولین دیپلم تهران نیز باید ساعت ۸ روز ۲۰ فروردین و مشمولین عادی متولد ۵ ماه دوم سالهای یاد شده در ساعت ۸ صبح روز ۲۱ فروردین به پادگان ولی مصر در خیابان پناه مراجعه نمایند.

کلیه مشمولین متولدسالهای ۳۸ تا ۵۰ سراسر کشور به خدمت فرا خوانده شدند. اداره وظیفه‌مومی ژاندارمری کل کشور اعلام کرد کلیه مشمولین دیپلم و عادی فایب و غیر فایب متولد سالهای ۳۸ تا ۵۰ سراسر کشور و مشمولان عادی متولد ۱۳۵۱ شهرستانهای تزوین، ارومیه، ایزه، سنندج، دیوان دره، نطنز، سبزوار، لطف‌آباد، درگز، میناب، توپسرکان، گناباد، زرند، صحنه، سنقر و

## ملوان بندر انزلی، تهران فوتبال کشور

قانونی و اضافی به تساوی رسید و تیم ملوان موفق شد در ضربات پنالتی تیم استقلال را شکست دهد و جام حذفی باشگاههای کشور را فتح کند.

پیروزی ملوان در برابر دو تیم پرتقدرت و صاحب نام تهرانی و فتح جام تهرمانی کشور که حاکی از رشد چشمگیر فوتبال شهرستانهاست، در بندر انزلی و سایر شهرهای گیلان با استقبال و شادی پرشور جوانان و ورزش دوستان گیلانی مواجه شد. ملوان بندر انزلی که یکی از تیمهای فوتبال محبوب کشور است، با این پیروزی باز هم بر محبوبیت خود افزود.

تیم فوتبال ملوان بندر انزلی تهران مسابقات جام حذفی باشگاههای کشور گردید. ملوان در دیدار نیمه نهایی در برابر تیم پیروزی تهرمان باشگاههای تهران قرار گرفت. دیدار رفت دو تیم در تهران با نتیجه ۲ بر یک بنفع پیروزی به پایان رسید، اما ملوان در بازی برگشت در بندر انزلی با ۲ گل پیروزی را شکست داد و به مسابقه نهایی راه یافت. ملوان در دیدار پایانی به مصاف استقلال تیم مشهور دیگر تهرانی رفت. بازی دو تیم در وقت

## نخستین وام بانک جهانی به رژیم جمهوری اسلامی

۲۳ اسفند در جلسه شورای اداری بانک صورت گرفت. بانک جهانی در خواست‌های دیگری را از ایران برای دریافت وام تحت بررسی دارد.

برای اولین بار پس از سال ۱۹۷۸ بانک جهانی با پرداخت وام به ایران موافقت کرد. مبلغ این وام ۲۵۰ میلیون دلار است که تصویب نهائی آن در روز

## صعود قیمتها توقف ناپذیر است

هم چنین به دستور مهندس فرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن بهای اشتراک تلفن در تهران تا قریب ۲/۵ برابر افزایش یافت. اکنون هر متقاضی تلفن باید مبلغی بیش از یک میلیون ریال بپردازد.

این چند نمونه همراه با افزایش بهای پروازهای خارجی از آخرین نمونه های افزایش رسمی قیمت‌هاست که به رقم جنجال چند ماه پیش مقامات دولتی مبنی بر منع قانونی افزودن بر بهای کالاهای خدمات صورت می‌گیرد.

بهای بلیت اتوبوسها و مینی بوسهای بین شهری در کل کشور رسماً بطور متوسط ۴۰ درصد افزایش یافته است. این خبر را معاون وزارت راه و ترابری اعلام داشت. افزایش رسمی نرخ حمل مسافر در تعطیلات نوروز تا ۷۰ درصد بود.

نرخ انواع شیشه ساختمانی نیز رسماً افزایش یافت. بگفته یکی از مقامات اداره کل بازرگانی استان مرکزی این افزایش معادل ۲/۵ برابر بهای پیشین است.



در هفته های اخیر روزنامه های جمهوری اسلامی سرشار از وعده های دولتمردان رژیم برای خانه سازی است. هر یک از آنها در رقابت با یکدیگر تعداد خانه هایی را که گویا ساخته خواهد شد بیش از دیگری اعلام می دارند. اکنون رقم به صدها هزار واحد مسکونی رسیده است. فراتر از آن - همچنانکه در این صفحه می خوانید - وعده ساختن شهرها و شهرکهای تازه ای را هم می دهند. با وجود این زلزله زدگان گیلان و زنجان همچنان زیر چادر بسر می برند و یا آواره شهرها هستند. برای بازسازی شهرها و روستاهای ویران شده هیچ گام اساسی برداشته نشده است. دولتمردان دیگر هیچ سخنی هم از آنها نمی گویند. می خواهند که آنها فراموش شوند. نگذاریم که فراموش شوند.

## چند خبر کوتاه اقتصادی

کامیونهای کشور ساخت سال ۱۹۷۵ و سالهای قبل از آن است.

همه اقداماتی که تاکنون رژیم جمهوری اسلامی برای تکمیل و راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر انجام داده تاکنون نتیجه روشنی بیار نیاورده است. عملیات ساختمانی این نیروگاه در سال ۱۹۷۹ متوقف گردید و دولت آلمان ارسال تجهیزات مورد نیاز توسط پیمانکار آلمانی نیروگاه را ممنوع ساخت. این ممنوعیت بر رقم روابط گسترده دولتی ایران و آلمان تا به امروز ادامه یافته است. اکنون شرکت آلمانی کرافت و رکیونیون (از وابستگان کنسرن زیمنس) در پی توافق با دولت ایران می‌کوشد موافقت دولت آلمان را برای لغو ممنوعیت جلب کند.

طرح بنای یک شهر تازه با جمعیت ۲۴۰ هزار نفر در منطقه‌ای در ۴۵ کیلومتری شمال اهواز به تصویب شورای عالی شهرسازی کشور رسید. طبق پیش‌بینی کار بنای این شهر باید در سال ۱۳۹۵ به پایان برسد.

در تهران گفته شد که صادرات غیرنفتی ایران در ده ماهه نخست سال ۱۳۶۹ به مبلغ یک میلیارد و چهار میلیون دلار بود که نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر ارزش، ۹/۵ درصد افزایش داشت.

پس از دیدار دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور از ترکیه اعلام گردید که سطح روابط اقتصادی فیما بین دو کشور، به دو میلیارد دلار خواهد رسید.

طی قرارداد بی ارزش ۴۵۰ میلیون دلار شرکت فرانسوی تکنیپ وشبهه ایتالیائی آن موفق شدند امتیاز اجرای پروژه پتروشیمی آبدست آورند.

این شرکت همچنین در تکمیل و راه اندازی مجتمع پتروشیمی بندر امام نقش خواهد داشت.

گروه صنعتی ایتالیائی پیاجیو قرارداد ساخت ۳۰۰ هزار موتور سیکلت را با ایران منعقد کرد.

یکی از روزنامه‌های تهران در بررسی وضعیت اسفبار حمل و نقل در کشور خبر داد که نود درصد



# هرزهای هنر به روایت وزیر ارشاد

چندی قبل دکتر خاتمی "وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی" و محمد هاشمی "مدیر عامل سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران" در برنامه "ارتباط نزدیک سیما جمهوری اسلامی ایران" ظاهر شدند تا به سئوالات مختلف مردم در زمینه مسائل فرهنگی و هنری پاسخ دهند و "سیاستها و ضوابط حاکم بر برنامه های هنری و همچنین چاپ و نشر کتاب و تهیه فیلم و نمایشنامه در کشور را تشریح نمایند"

در این گفتگو که مشروح آن ۵ ستون از روزنامه اطلاعات ۱۸ بهمن ماه ۹۹ اشغال نموده، دکتر خاتمی ابتدا به سیاق همیشگی آخوندها ادعایی نموده است که نه با تیانه رژیم فقا جور درمی آید و نه با اساس شغل ایشان به عنوان صدر دستگاه سانسور و تفتیش عقاید رژیم وی. ظاهراً به تازگی دریافته است که: "ما اگر میخوانیم اسلام رایج شود، فقط نمیتوانیم بگوئیم دیگرانی که ما نمی پسندیم، هیچی نگویند و هیچ کاری نکنند. بلکه ما باید کاری کنیم که حرف برتر را داشته باشیم و بزینم دنیا دنیای رقابت و مسابقه است. شما نمیتوانید بگوئید هیچکس در این میدان نباشد و من تعالی بدوم و خودم اول شوم... امروز امواج و تصویر و خطبه سادگی در اختیار مردم قرار میگیرد. یعنی روابط طوری است که شما نمیتوانید روی ذهن افراد دریچه ای بگذارید که از آنچه در بیرون میگذرد، مطلع نشوند."

در درستی این سخنان شکی نیست و در صورت پایبندی به آن میتوان خود را تا حدودی با واقعیات دنیا امروز همگام نمود! اما وقتی سانسورچی ها و کسانی که حرفه سیاهشان پیگرد اندیشه هاست، چنین حق به جانب سخن میگویند، چه میتوان گفت جز آنکه "آب سربالا میرود و تور باغ را میل به آواز ابو عطار در سر افتاده است"؟ چنین تلمبه گویی از سوی کسانی که ماموریتشان تکمیل حرفه جلادان در پستن اندیشه و اندیشمند بر تخت شلاق و چوبه اهدام است، بیش از هر چیز تصویری است گویا

بتیاه از صحنه اول

## دور تازه جنجال آفرینی

### علیه هنرمندان

اصلی تبلیقاتی جمهوری اسلامی متوقف بماند. در نتیجه جنجال ادامه یافت. وابستگان به جناحی که جنتی از جانب آنها سخن می گفت در حمله به وزارت ارشاد مقاله های مطولی در مطبوعات به چاپ رساندند. آنها در این مقالات حد کنونی سانسور در جمهوری اسلامی را ناکافی دانسته و

از یک فلاکت واقعی در رژیم فقا. اعتقاد به رقابت و مسابقه کجا و داغ و درفش و زندان و شکنجه و اعدام و سانسور کجا؟ مردم کدامیک را باور کنند؟ کما اینکه خود حضرت نیز برای اینکه ایجاد شبهه نشود، بلافاصله از این تلمبه گویی به استغفار میافتد و میگوید: "البته ما محدودی داریم که به شدت به آنها پایبندیم (یعنی توبه برگ، مرگ است) انقلاب ما اسلامی است و مبنای نظام ما اسلام است. هر چیز که اسلام را به خطر اندازد، ممنوع است." (معنی رقابت و مسابقه روشن شد؟! و ناگهان سر درد دلش باز میشود و معلوم میگردد آنکه به خطر افتاده است، اسلام نیست بلکه موجودیت آن تفرکیست که همه چیز را برای خود، بنام خود و تحت فرمان خود میخواند و در کشور ما در هیات حاکمیت فقا ظاهر گشته است: "ما در موقعیتی هستیم که خطرهایی ما را تهدید میکنند. ما باید امنیت خودمان را در نظر بگیریم. اینهم جزو مصالح جامعه است. اصل اول میگوید آزادی باید باشد. اما (همیشه این "ما"ها در نظام فقا بر هر اصلی رجحان دارند) مصالح نظام جمهوری اسلامی میگوید باید جلو بعضی مسائل را بگیریم." اینجاست که معلوم میشود آقایان هیچ حرف تازه ای برای گفتن ندارند، جز تکرار همان استدلالاتی که اکنون دیگر هیولای سیزده ساله ایست به قدمت هم رژیم و فرقه در خون انسانهای شریفی که آزادی را زینده انسان، زندگی انسان و اندیشه و بیان می دانستند. در طی ۱۳ سال گذشته با تکیه بر همین استدلال بوده است که سرکوب و پیگرد خشن و لجام گسیخته اندیشمندان و منتقدان و هنرمندان و اعمال سیاست های عقب مانده و فسیل شده در مراکز علمی، فرهنگی و هنری کشور، با هدف گذاشتن دریچه "تفکر اسلامی" - آنهم بگونه ای که حضرات درک میکنند - بر ذهن مردم ما تئوریزه شده و واقعیت عملی به خود گرفته است.

دکتر خاتمی در همین گفتگو اعتراف میکند که: "وقتی انقلاب شد، ما متجاوز از ۲۹۰ سینما

معمولی داشته باشیم؟ تازه من آدم موفق این سینما هستم. وای بحال دیگر همکاران که می خواهند از راه بازیگری زندگی کنند." بر اساس همان "اندیشه های والا و مترقی حضرت امام" بوده است که مدتی بحث بر سر "نهای نزدیک" از چهره "سوسن تسلیمی" از هنرپیشگان ارزشمند سینمای ایران، مسئله سانسورچی ها شده بود...

در همین گفتگو، دکتر خاتمی آماری نیز از نشر کتاب در جمهوری اسلامی ارائه داده است: "من معتقدم اعلام کنم که در سال گذشته هفت هزار و هفتصد عنوان کتاب در کشور منتشر شده و این بیشتر از سه برابر بیشترین عنوان کتابی است که قبل از انقلاب رایج شده است و کتب علمی، تحقیقی، دینی، اجتماعی، فکری، فرهنگی، ادبی و هنری در همه اینها بوده است." راه دوری نرویم. بگذاریم خود حضرات بگویند عمده ترین بخش از هفت هزار و هفتصد عنوان کتاب منتشره در حاکمیت فقا از چه مضمونی برخوردارند: "از افتخارات ما این است که یکی از مترقی ترین، محکم ترین و قابل عرضه تین ضوابط را در امر کتاب در جمهوری اسلامی داریم." این "ضوابط" برای چه هستند و از چه مضمونی برخوردارند؟ خود وی پاسخ میدهد: "بخاطر حساسیت و ظرافت امر باید ضوابطی داشته باشیم که هم مصالح نظام حفظ شوند و هم جلو فکر و خلاقیت که باید در یک محیط آزاد رشد کند، گرفته نشود." چگونه؟ "نشریات و مطبوعات در جمهوری اسلامی آزادند، مگر اینکه محل به مبانی اسلام و مخالف حقوق عمومی باشند." با چنین اوصافی دیگر چه جایی برای صحبت از "رشد فکری و خلاقیت" باقی میماند؟ با همین تعریف از "محدوده آزادی" بوده است که امروز برجسته ترین متفکرین، هنرمندان و نویسندگان کشورمان یا در تبعید و مهاجرت به سر میبرند یا ممنوع القلم رسمی و غیر رسمی اند و یا محبوس سیاهچالهای رژیم. البته اگر تاکنون اهدام نشده باشند. موضوع بر سر این است که در جمهوری فقا، اصل بر "حفظ مصالح نظام" به هر قیمت است و جایی که صحبت از "مصالح" این نظام قرون وسطایی در میان باشد، باید فاتحه رشد فکری و خلاقیت در یک محیط آزاد خوانده شود. در نتیجه کار بست عملی چنین تفکریست که احمد شاملو شاعر نامدار معاصر به تلخی میگوید: "ایران وطن من است. وطنی که رو راست و بی تعارف ده سالی است که از معرکه

مخملیاف - کارگردان سینما - که پیشتر او را بخاطر محتوای آثارش الگوی هنرمندی حزب الهی معرفی می کردند، آماج حمله قرار گرفتند. حمله به مخملیاف البته چندین ماه است که ادامه دارد. از اینرو وی نیز خود را ناگزیر به پاسخگویی یافت. او در پاسخ به این حملات نوشته است که این جنجال بخاطر "فرار از پرداختن به مسائل ریشه ای جامعه" برپا شده است و هم چنین "دهوای بر سر لحاف ملاست و جنگ و جدالی که بین جریانهای طالب قدرت در جریان است." مخملیاف پیشاپیش شکست خود و امثال خود را در این درگیری

فرهنگیش حذف شده ام. عملی که برایش هذره های بدتر از گناه تراشیده اند. از همین تهران در پاکتی که اسم و آدرس فرستنده نداشت، نسخه زیراکسی بخشنامه ای را برایم فرستادند که در آن امریه صادر شده بود: چون آن شخص (که بنده باشم) صمیونست است، کتابهایش را از دسترس مراجعان خارج کنید." (دنیای سخن، بهمن ماه ۱۳۶۹) و در عوض روزنامه اطلاعات صفحه "هنری" خود را تحت عنوان "شعر معاصر ایران" به هذیاناتی اختصاص میدهد که ذکر تنها یک نمونه از آن برای انبساط

کریلا  
فانوس بدست برابر جهان سبز  
میشوند.

انده  
همان  
تیری به جگر نشسته تا سونار  
تسلای خاطر  
همان:  
مرثیه ای ساز کردن -  
قم همان و قموازه همان  
نام صاحب مرثیه  
دیگر.  
\*\*\*  
همیشه همان  
شگرد  
همان ...  
شب همان و ظلمت همان،  
تا "چراغ"  
همچنان نهاد امید بماند.  
راه  
همان و  
از راه ماندن  
همان،  
تا چون به لفظ "سوار" رسی  
مخاطب پندار دنجت دهنده ای در راه است.  
و چنین است و بعد  
که کتاب لفت نیز  
به باز جویان سپرده شد  
تا هر واژه ای را که معنائی داشت  
به بند کشند  
و واژگان بی آر ش را  
به شاعران وانهند  
و واژه ما  
به گنمکار و بی گناه  
تقسیم شد.  
به آزاد واژه و بی معنی  
سیاسی و بی معنی  
نمادین و بی معنی  
ناروا و بی معنی.  
و شاعران  
از بی آر ش ترین الفاظ  
چندان گناهواره تراشیدند  
که باز جویان به تنگ آمده  
شیوه دیگر کردند  
و از آن پس  
سخن گفتن  
نفس چنایت شد.  
اشاملو

خاطر خوانندگان بیجانست:  
از خلیج دل میگذرند،  
موشکهای دشمن  
چاره چیست، جز اینکه بنگرم  
و بگریم  
و موی سپید سرم را در پنجاه  
ضرب کنم  
اگر آسمان را، دریا بنگرم  
و از دلم زورقی کوچک بسازم  
هزار سال دیگر از میان دریای  
باروت عبور نخواهم کرد  
که نخلهای سر بریده را ببینم  
اما نخلها، فردا چون شهدان  
کریلا  
فانوس بدست برابر جهان سبز  
میشوند.

همیشه همان  
تیری به جگر نشسته تا سونار  
تسلای خاطر  
همان:  
مرثیه ای ساز کردن -  
قم همان و قموازه همان  
نام صاحب مرثیه  
دیگر.  
\*\*\*  
همیشه همان  
شگرد  
همان ...  
شب همان و ظلمت همان،  
تا "چراغ"  
همچنان نهاد امید بماند.  
راه  
همان و  
از راه ماندن  
همان،  
تا چون به لفظ "سوار" رسی  
مخاطب پندار دنجت دهنده ای در راه است.  
و چنین است و بعد  
که کتاب لفت نیز  
به باز جویان سپرده شد  
تا هر واژه ای را که معنائی داشت  
به بند کشند  
و واژگان بی آر ش را  
به شاعران وانهند  
و واژه ما  
به گنمکار و بی گناه  
تقسیم شد.  
به آزاد واژه و بی معنی  
سیاسی و بی معنی  
نمادین و بی معنی  
ناروا و بی معنی.  
و شاعران  
از بی آر ش ترین الفاظ  
چندان گناهواره تراشیدند  
که باز جویان به تنگ آمده  
شیوه دیگر کردند  
و از آن پس  
سخن گفتن  
نفس چنایت شد.  
اشاملو

### از میان جرائد

عبداله نوروزی نماینده ملایر: من پیشنهاد می‌کنم که مجلس محترم یک طرح دوفوریتی مجدد را در قطع ارتباط با انگلیس تقدیم مجلس کند و این بار چارچوبه آن را چنان سنت کنند که تا حکومت نامرد انگلیس رسماً به فلفط خود اصرار نکرده و ابراز پشیمانی نکند، روابط تجدید نگردد.

«رسالت»

مرتضی الویری در بحث پیرامون بودجه:

از مسئولین می‌خواهم، شرایطی فراهم آورند تا نامه مورخه ۶۸/۱/۸ حضرت امام تحت‌تحریر و مردم بتوانند از نظرات فقهی مرجع عالیقدر و مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله العظمی منتظری استفاده نمایند.

(هیاموی نمایندگان در اعتراض به سخنران بالای می‌گیرد).

«رسالت»

فلازمه‌فاندایی نماینده اراک در سؤال از رتبه‌سنجی در نطق پیش از دستور:

آیا گزارش روزنامه کیهان که تعداد دلان را از ۸۹۰ هزار نفر در سال ۵۵ به ۳/۵ میلیون نفر در سال ۶۵ اعلام می‌کند درست است؟

...میزان استفاده از بودجه خارج از محاسبات از سال ۶۴ تا سال ۷۰ ۱۴ میلیارد به ۱۵۰ میلیارد رسیده است. حجم اعتبارات خارج از محاسبات سال ۷۰ نسبت به سال ۶۹ بیش از ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. حال که نیمی از بودجه دولت خارج از محاسبات می‌باشد آیا بهتر نیست که مجلس کلامه بودجه دولت را خارج از محاسبات کند تا هم مسئولین از مجلس راضی تر باشند و هم کار مجلس آسانتر شود؟

### نظر محمدبن زکریای رازی درباره نقش اجتماعی مذهب

محمدبن زکریای رازی فیلسوف و پزشک عالی قدر ایرانی (۳۱۳-۲۵۱ ه.ق) در تاریخ فلسفه خاور اسلامی قاطعانه‌تر و جسورانه‌تر از دیگر فیلسوفان متمایل به ماتریالیسم، آرای ماتریالیستی خود را بیان داشته و به نقادی مذهب پرداخته است. او معتقد به قدیم و غیر مخلوق بودن ماده، زمان و مکان بوده و به افسانه آفرینش اعتقاد نداشته است. مخالفت فیلسوفان دارای تعصب مذهبی و آخوندها با رازی به حدی تند و شدید بود که باعث شده همه آثار فلسفی رازی از بین برده شوند و اکنون اطلاعاتی که در مورد فلسفه وی موجود است، همه از کتابهایی به دست آمده‌اند که علیه او نوشته شده‌اند.

رازی یک رسوالتیست (خردگرا) پیگیر بوده است، او می‌گوید که بر ما واجب است که هیچ‌گاه از منزلت عقل نکاهیم و در حالی که او خود امیر است، اسیرش نکنیم و در حالی که سروری از اوست، طوق بندگی در گردنش نیکنیم و فرمانده را فرمانبردار نسازیم. بل باید در همه امور به او رجوع کنیم و ملاک و معیار ما در همه چیز او باشد و همواره بدان تکیه کنیم. به نوشته عبدالرحمن بدوی فیلسوف معاصر مصری «سرسخت ترین قائلان به اصالت عقل (راسیونالیست) نمیتواند تا این حد با این صراحت مقام عقل را بالا برد. رازی دیگر جایی برای وحی و الهام و علم شهودی و بی‌واسطه باقی نگذاشته است. از نظر وی تنها ملاک ما برای حصول علم و برای اعمال ما هر آینه عقل استدلالی است و در این راه به

هیچ نیروی غیر عقلی نمی‌توان توسل جست. رازی به کلی مخالف نبوت و وحی و مخالف هر نوع تفکر غیر عقلی است» (به نقل از تاریخ فلسفه اسلامی، تالیف میر محمد شریف، ج ۱، ص ۱۹۶).

عبدالرحمن بدوی نظریات رازی در مورد دین و نقش اجتماعی مذهب را این چنین خلاصه کرده است: «از نظر رازی دلائل گرایش مردم به دین از این قرائت است: الف) تقلید و پیروی از عادات و رسوم. ب) قدرت نفوذ ارباب دین که خود در خدمت حکومت‌اند. ج) مراسم و مناسک دین که به توهن تخیل مردم ساده دل تحمیل می‌شود.

رازی یک کتابجای هلمی را به همه کتابجای مقدس ترجیح می‌دهد، زیرا کتاب‌های هلمی در زندگی مردم از همه کتابجای دینی موثر و مفیدتر است»

به نظر رازی «ارسال رسل از جانب خدا حتی به عقل جور در نمی‌آید، زیرا پیامبران منشاء زیان‌های بسیارند. هر ملتی فقط به پیامبر خاص خود معتقد است و به شدت منکر پیامبران ملل دیگر است. نتیجه‌ای که از این حاصل شده است، جنگ‌های مذهبی بسیار و احساس نفرت و انزجار است که ملل مختلف با دینهای گوناگون نسبت به هم داشته‌اند.

آرای رازی بسیار متهورانه بود و هیچ متفکر دیگری در جهان اسلام این طور جرات نکرد که سخن گوید. (همانجا، ص ۲۹۶-۲۸۶)

## فرهنگنامه

ستون تازه‌ای که زیر عنوان «فرهنگنامه روز» از این شماره در نشریه کار باز می‌شود، اختصاص به دادن اطلاعات پایه‌ای و فرهنگنامه‌ای حول یک حادثه سیاسی روز و یا یک اصطلاح

### شیعیان عراق

در هفته‌های اخیر یکی از خبرهای مهم منطقه قیام کردها و شیعیان عراق علیه رژیم صدام حسین بوده است. شیعیان عراق همچون خلق کرد همواره نسبت به حکومت مرکزی در عراق در حالت ایواریسیون قرار داشته‌اند. شیعیان عراق ۵۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. (عراق دارای ۱۶ میلیون نفر جمعیت است. ۹۵ درصد اهالی این کشور مسلمانند). اگر از ایران که تقریباً ۹۰ درصد اهالی آن شیعه هستند چشم‌پوشیم، در هیچ کشور اسلامی دیگر درصد شیعیان به اندازه عراق بالا نیست. اگر توجه داشته باشیم که غالب کردها سنی‌مذهبند، درمی‌یابیم که شیعه در ترکیب جمعیت عراق عربی از چه درصد بالایی برخوردار است. علی‌رغم این که اکثریت مردم عراق شیعه هستند حکومت بغداد همواره در دست اقلیت عربی سنی بوده است. مقامات بالای حزبی و حکومتی عراق از یکی دو چهره که بگذریم، همه عرب سنی هستند. این وضعیت در عراق سنت دیرینه دارد و به زمان عثمانی‌ها بر میگردد. عثمانی‌ها به

دلیل آن که خود سنی بودند و به دلیل گرایش شیعیان عراق به ایرانیان شیعه مذهب متخاصم با حکومت ترکان، به شیعیان با بدبینی می‌نگریستند و از دادن پست‌های مهم به آنان خودداری می‌ورزیدند. پس از استقلال عراق در سال ۱۹۳۲ همین حالت بی‌حقوقی شیعیان ادامه یافت. دستگاه آموزش و پرورش همواره در عراق در دست سنیان بوده است. شیعیان به نظام آموزشی کشور با بدبینی نگریسته و بیشتر به یک نظام آموزشی سنتی متکی بر مکتب‌خانه و حوزه علمیه گرایش داشته‌اند. این وضعیت در ترکیب با عامل وجود فقر بیشتر در جمعیت شیعه نسبت به جمعیت سنی باعث شده است که سنیان از سطح سواد و آموزش بیشتری برخوردار باشند، متحد بوده و از مذهب و خرافه فاصله بیشتری داشته باشند. همین عامل به نوبه خود باعث تشدید شکاف بین سنیان و شیعیان در عراق شده است.

در دهه سی و چهل حزب کمونیست عراق در میان جمعیت شیعه، که عمدتاً در جنوب عراق ساکنند، از نفوذ بالایی برخوردار بود. مخاصمی همچون آزادی و عدالت در ذهن مردم با نام کمونیسم و سوسیالیسم همجین شد. روحانیت مرتجع شیعه بعداً این تداومی مثبت را به عاملی منفی

### یک قصیده کوتاه

نزار قبانی

عشق، ای محبوب من  
قصیده زیبایی است، نوشته شده بر ماه  
عشق... رسم شده بر برگهای درختان است  
عشق... نقش شده بر پرهای پرندگان و قطره‌های باران است  
اما اگر زنی در کشور من مردی را دوست بدارد  
با پنجاه تکه سنگ

سنگسار می‌کند.

بر تهیگاه زنی از سراب  
من شن را در آغوش می‌کشم  
من سایه را در آغوش می‌کشم  
\* \* \*  
ای مادرم، کف دستم را دیدم  
مرا برای  
تا بروی کف دستان تو باقی بمانم  
آه ای مادرم!  
من مشتاق توام ای مادرم  
من مشتاق نان مادرم هستم  
و تو هم مادر  
و نوازش مادرم  
\* \* \*  
در من کودکی رشد می‌کند  
روز به روز  
و من زندگیم را دوست می‌دارم  
چرا که اگر بچیرم  
شرمندم اشک‌های مادرم  
می‌شوم.

ترجمه از: سپیده

بدل کرد: سخن گفتن از دموکراسی و عدالت ریشه در الحاد دوز دور به کفر می‌برد! پس از قدرت گیری ملاحا در ایران و برآمد موج اسلام گرایی در کل منطقه، دولت بعثی در عراق که پیش از این مدام بر جدایی سیاست و مذهب از یکدیگر تاکید می‌کرد تا حدودی به خود رنگ و لعاب مذهبی زد. این عامل در رابطه با جمعیت شیعه نتیجه‌ای خلاف هدف بعثیان از اسلام پناهی به‌دار آورد. این سوال در ذهن شیعیان عراق نقش بست که کدام مذهب باید در حکومت مرکزی موثر باشد؟ تشدید سرکوب شیعیان از سوی دولت بعثی از ترس تاثیر پذیری آنان از ایران اسلامی، شکاف بین بغداد و جنوب عراق را تشدید کرد. بعثیان هر کسی را که اندکی مظنون جلوه کرد دستگیر کرده و عده کثیری از شیعیان عراقی دارای تبار ایرانی را پیش از بروز جنگ با جمهوری اسلامی به ایران راندند. با آغاز جنگ سرکوب شیعیان شدت بیشتری یافت. در سال ۱۹۸۲ محمد باقر صدر بانفوذترین روحانی سیاسی شیعیان عراق در زندان صدام حسین به قتل رسید. او آخوندی بود به مراتب مطلع‌تر از دیگر ملاحا نجف و قم و قادر بود در یک چارچوب محافظه‌کارانه مذهبی دست به ابتکار زده و نو و کهنه را با هم در بیامیزد. او معتقد به استفاده پیگیر از اصل اجتهاد در فقه شیعه، خاصه در زمینه اقتصاد بود و سرمایه‌داری را پدیده جدیدی می‌دانست که نتواند در باره آن مستلزم فراتر رفتن از قوانین سنتی و فقه جعفری است. در ایران بیش از همه مرتضی مطهری تحت تاثیر تفکر وی بوده است.

پس از محمد باقر صدر معمم دیگری نتوانست به اندازه او در میان شیعیان عراق دارای نفوذ شود. روحانیت ممتاز حوزه نجف اساساً غیر سیاسی است. حوزه نجف از دیرباز محلی بوده است برای رساله‌های عملیه نویسی و هیچ‌گاه مانند قم سیاسی نبوده است. آیت‌الله خویی که در راس این حوزه قرار دارد همواره با خصمی و روحانیت سیاسی ایران مقابله کرده و روابط نزدیکی با دربار شاه و حکومت بغداد داشته است. او ملاحا را از دخالت مستقیم در سیاست باز می‌دارد و وظیفه آخوند را فقط مساله گویی می‌داند. محمد باقر حکیم مهره حکومت تهران که می‌خواهد نقش جانشین باقر صدر را ایفا کند به هیچ روداری نفوذ و شعور سیاسی وی نیست. جریانی که وی با کمک حکومت اسلامی تهران برپا کرده دارد. حزب رقیب این جریان حزب الدعوة است که به لحاظ سیاسی با تجزیه‌تر از مجلس اهلا و با نفوذتر از آن است و کمتر به تهران وابسته است.

این هر دو جریان فاقد طرح سیاسی روشنی برای آینده عراقند. به طور مستقیم از برقراری حکومت شیعه در عراق به سبب تهران سخن نمی‌گویند و حتی بعضاً چنین ایده‌ای را غیرواقعی اعلام می‌کنند. اما در همین حال به عنوان دو جریانی که خلعت اصلی خود را شیعه بودن می‌دانند، قادر نیستند برنامه‌ای خارج از چارچوب آرمان حکومت اسلامی ارائه دهند. حزب الدعوة از مجلس اهلا برای ورود در ائتلافهای سیاسی مستعدتر است. هر دو جریان به لحاظ تشکیلاتی ضعیفند و در داخل عراق فاقد هسته‌های کارآیی سازمانگرند.

- طبق گزارش موسسه تجارت خارجی ایتالیا مبادلات تجاری ایران و ایتالیا طی هفت ماه اول سال میلادی ۹۰ به بیش از ۱۵۰۰ میلیارد لیر (۱/۲ میلیارد دلار) رسید که نشانگر افزایش معادل ۸۸/۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل است

«بیان»

\*\*\*

در طول تاریخ مطبوعات در دهه ۳۰، ۴۰، ۵۰ هرگز وضعیتی پیش‌نیامده که تعداد روزنامه‌ها تا روزنامه‌ای که در دهه ۴۰ انتشار یافته ۲۷ روزنامه بوده، حال آنکه در سال ۶۳ تنها ۵ روزنامه منتشر می‌شده است.

وضعیت مطبوعات در سال ۶۱ و ۶۲ در حد سال‌های ۱۲۷۵ و ۱۲۸۵ بوده است که در بهترین وضعیت که مربوط به سال ۶۷ است با انتشار ۱۶۳ روزنامه و مجله تازه به حد سال ۱۳۰۰ - ۱۳۰۳ رسیده‌ایم

### مجله اطاق بازرگانی

سفیر کویت در پاکستان:

وضعیت مالی کویت بد نیست و می‌توانیم مخارج جنگی را تحمل کنیم، ماکشوری ضعیف هستیم.

«رسالت»

### مفهوم دموکراسی

دموکراسی و آزادی همواره بر امکان وجود چند راه حل برای یک مساله مبتنی هستند. بدون این امکان آزادی برقرار نیست. وقتی گفته شود تنها یک راه و به حکم الزامات فنی تنها یک امکان وجود دارد، آنگاه دموکراسی زاید و غیر قابل اجرا می‌گردد.

آندره گرز نویسنده فرانسوی

### شکنجه

همواره دیده شده است که کشورهای که در آنها به شدیدترین شکل شکنجه صورت می‌گیرد، همان کشورهای هستند که در آنها شکنجه رواج بیشتری دارد. شدت شکنجه نشان دهنده کثرت موارد شکنجه نیز هست.

ژان ژاک روسو

### سلام بر تو

محمود درویش

سلام بر تو  
و تو آتش صبح را می‌جایی کنی  
سلام بر تو  
آیا برای من وقت آن فرا نرسیده  
که به تو هدایایی تقدیم کنم؟  
آیا برای من وقت آن نرسیده که به سوی تو بازگردم؟  
\* \* \*  
مرا برای، تا از تو شیر سرزمین‌ها  
را بنوشم  
و من  
پسری باقی بمانم بر روی  
دست‌های تو  
برای همیشه  
\* \* \*  
مادرم!  
من دستهایم را گم کرده‌ام

بقیه از صفحه اول

## کشتار کردها در عراق

چنان در کردستان عراق کشتار کند، که دیگر رمقی برای خیزش و مقاومت در میان کردها باقی نماند. شهرهای کردنشین کاملاً خالی از سکنه شده‌اند. روستاها نیز به همین سان، سوخته و ویران. مرگ از گرسنگی و بیماری در کمین هر آن کسی نشست که با بمب‌های فسفوری و آتش زاز یا نیفتاده باشد. با این وجود مقاومت ادامه دارد. در اطراف شهر اربیل تا روز شنبه ۶ آوریل درگیری بین پیشمرگان کرد و ارتش عراق ادامه داشته است.

در جنگ زمینی پیشمرگان کرد قادر بودند که از پس مقابله با ارتش عراق برآیند. آنچه که باعث شکست آنان شده کارگیری وسیع هلی‌کوپترهای جنگی و بعضاً هواپیما از سوی ارتش عراق بود. این در حالی است که طبق قرارداد آتش بس بین آمریکا و متحدینش با دولت بغداد، ارتش عراق اجازه ندارد هلی‌کوپترها و هواپیماهای خود را به پرواز در آورد. علت بی‌تفاوتی آمریکا و متحدینش نسبت به این مساله چیست؟ چرا آنان نخست کردهای عراق را به خیزش علیه حکومت بعث فراخواندند و پس از آن به نظاره کشتار کردها و شیعیان عراق نشستند؟ جرج بوش می‌گوید آمریکا از ابتدا اعلام کرده است که قصد ندارد در امور داخلی عراق دخالت کند و از پی سرنگون کردن صدام حسین نیست. اما مساله این نیست بعضی از سیاستمداران آمریکایی

در هفته پیش مدعی بودند که آمریکا از این جهت اقدامی برای جلوگیری از کشتار کردها به عمل نمی‌آورد، که سازمان ملل در زمینه مداخله در امور داخلی تصمیمی نگرفته است. انگار تاکنون هر چه آمریکا در امور داخلی دیگران دخالت کرده با اجازه سازمان ملل بوده است! عده دیگری از سیاستمداران آمریکایی علت این نحوه برخورد آمریکا به مساله کشتار کردها را به شکل صریح و روشنی توضیح داده‌اند: از هم پاشیدن قدرت حکومت مرکزی در عراق منجر به پدید آمدن یک خلا استراتژیک در منطقه می‌شده و این امر با منافع آمریکا همخوانی ندارد. از نظر آمریکا قدرت‌گیری کردها در عراق منجر به بروز بی‌ثباتی در ترکیه عضو ناتو می‌شده و از طرف دیگر راه را برای قدرت‌گیری شیعیان در بغداد هموار می‌کرده است. به این دلایل آمریکا ترجیح می‌داده است که در عراق به قیمت کشتار و آوارگی میلیون‌ها نفر ثبات برقرار شود. این سیاست شاهد دیگری است بر اهدانی که آمریکا در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کند: حفظ وضعیت موجود با اتکا بر رژیم‌های ارتجاعی باثبات. آمریکا و ناتو ترجیح می‌دهند که به جای قدرت‌گیری اپوزیسیون رژیم عراق ابتدا این رژیم بر اوضاع مسلط شود و سپس در چارچوب حفظ و بقای آن جای صدام فعلی را صدام دیگری بگیرد.

بقیه از صفحه ۹

## آزمون هشدار دهنده ...

اساسی داشته‌اند و دارند دخالت ندهند. در همین حال هر چند در حال حاضر با وجود رژیم‌های ضد دموکراتیک و توتالیتر که هر یک با بنا به وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر یا جاه‌طلبی‌های ملی و ایدئولوژیک سودها و منافع به فایده متضاد و تنش‌آفرین خود را دارند و در حقیقت بدیلی واقعی برای تأمین و تضمین امنیت جمعی دموکراتیک کشورهای منطقه و اتحاد آنها برای تنظیم روابط برابر حقوق با شمال وجود ندارد، ناگزیر باید اساس مبارزه ملت‌ها را برای قلبه بر دشواریها و پیچیدگی‌های اوضاع بحران آفرین کنونی روی شعار حداقل متمرکز کرد تا زمینه برای برداشتن گام ژرف‌تر فراهم گردد.

روی این اصل ایجاد یک سیستم امنیت جمعی بدو میان کشورهای که بلاواسطه در حوزه بحران خلیج فارس و هم مرز با اسرائیل قرار دارند به ضرورت روز بدل شده است. این سیستم امنیتی باید بر پایه شناسایی مرزهای شناخته شده بین‌المللی، احترام به حق حاکمیت کشورهای و عدم مداخله در امور یکدیگر استوار باشد و برای تخفیف تشنجات و همزیستی مسالمت آمیز باید آماج‌های مهمی چون اجرای قطعنامه‌های معلق مانده شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه تخلیه بیدرنگ اراضی اشغالی توسط اسرائیل و تشکیل

۵ مارس ۹۱

## سوتماک

● شعری از شیرکو بی کس (شاعر کرد عراقی)  
● ترجمه از آکو غریب

اشاره:

«شیرکو بی کس»، شاعر کرد عراقی متولد سلیمانیه است که چند سالی است از عراق گریخته و در سوئد زندگی می‌کند. تا به حال چند جایزه ادبی دریافت کرده و در شهر فلورانس ایتالیا به او عنوان «هم‌شهری» داده‌اند. شعر او تصویری لطیف، مردمی و گاه صریح و تلخ است. تاکنون چند مجموعه شعر منتشر کرده است که «آینه‌های کوچک»، از آن جمله‌اند.

آسمانی: خاکستری  
خیابانی: بنفش  
تنهایی من زرد  
آوارگی‌ام: سایه‌ای پاشیده  
خبرها سیاه... سیاه!

ای ویلون‌زن آبی‌پوش!

ای که گل صورتی داری بر سینه!  
اینجا  
در سایه گیسوان سبز روشن  
این درخت لیموی میزوی  
من و غم ارغوانی‌ام

با گردن خمیده  
از فرق تا پنجه با  
قطره قطره  
آفتاب چکان  
غمگین و مات  
ساکت و مبہوت  
ایستاده‌ایم، در سایه روشن‌ها  
من و غم ارغوانی‌ام، اینجا  
برده شفاف گوش را  
بر پنجره رو به نفس زخمه تو

ایستاده‌ایم

خوابانده‌ایم

که از سر پنجه بلوریت  
په چالاکتی  
آوازی جادویی، بال تفره‌ای

می‌تراود.

ای ویلون‌زن آبی‌پوش!

ای روح سپید!  
بخاطر این غروب غم‌دیده من  
بخاطر صدای سوختن  
اخبار تازه این شعر زخمی‌ام  
به خاطر بال آتش گرفته

توسن این کوچ تازه من،

همراه من باش.

مرا در مویه سوزناک ویلونت

و چون قاصدکی

با پژواک ویرانی و پاشیدگی خود بفرست

خواب را راهنمایم کن

موج را متکایم کن

و ابر را بستر زخم

مرا بفرست به دورها

به شهری که همیشه خدا

اشک به چشمان دارد

به نزد درخت خونین گردن

به نزد برف خونین گیسو

همراه من باش

مرا بر برای

مرا بسان خوشه‌ای سرمازده

زیر چهر آه‌های خود

«یالا یالا، تو را به خدا»

مرا ببر به آن روزگار،

که بر دیوار و زوایای مردم اینجا

عشق، چراغی سوخته است

دریا... تشنه است

در بیابان روح من،

همراه من باش

خیابان به خیابان

بیش از تو گشته‌ام

دارکوب چشم من

به هر پنجره که نشست

دانه دانه بریز،

آب، خفه شده است.

رانده شد.

در این خلوت روح من، هیچ کس نبود  
که رو به سوی شعله کشیدم بگرداند  
که گوش کند

و به زبان بیاید

فریاد

جان کجاست، گوش کجاست، دهان کجاست

ای فاجعه تازه!

من آسبی ندارم

تا دست کم، مانند دوست چخوف

به نزدش بروم

و او به شیون من گوش کند.

«یالا یالا، تو را به خدا»

مرا ببر به بال نغمه گریه آورت!

مرا ببر، ای ویلون‌زن آبی‌پوش!

ای گیسو سیاه!

پیداست که تو هم مانند من

درختی از ترانه‌ای

که از آوازت جدا شده‌ای

پیداست، تو هم ناله‌ای،

مسافری

مانند شعر «هجیجی»<sup>(۳)</sup> من.

از این ایستگاه، به آن ایستگاه

از این فرودگاه، به آن فرودگاه

با پاییزی بر دوش،

براکنده و آواره‌ای

ای ویلون‌زن آبی‌پوش!

مرا ببر.

احوال نیمه شب‌هایم به من می‌گوید:

اکنون درون تابوت نارنجی غروب شهر من

چهل کودک من

چهل جگر من

هشتاد چشم من

هشتاد گوش من

هشتاد انگشت من

بریشیده می‌شوند

و همه باهم

با «جاجیم» این برگیز،

این پاییز،

آهسته، آهسته پوشیده می‌شوند.

ای ویلون‌زن آبی‌پوش!

مرا ببر.

به شهر غم، نزدیک نزدیک کن

نزدیک مانند نفس من و تو

اکنون، آنجا، کوی و برزن

احوال مرا می‌پرسد

خیابان، چشم به راهم می‌دوزد

کوچه دنبال می‌گردد

قاصد قاجعه

در کهنه ما را

با دو دستش می‌کوبد

اکنون آنجا، «سیون»<sup>(۴)</sup> من

چهل پیران «هلاله»<sup>(۵)</sup> دیگر می‌پوشد

اکنون، چهل جفت گوشواره گل سرخ

او را آویزه گوش است

بر سر چهل ارغوان

چهل شمع می‌افروزد

اکنون، آنجا، سیوان من

چهل بلدرچین، چهل گنجشک را

در باغچه خون من

در آغوش دارد

آسمانی خاکستری

تنهایی من زرد

آوارگی‌ام: سایه‌ای پاشیده

خبر: سیاه... سیاه

شامگاه: آبی، بسان جامه تو

ای ویلون‌زن آبی‌پوش!

کیود است شیون من

مانند جسد آن چهل آهر

آن چهل کبوتر

ای وای، بر من سخن سوتماک

بر این قلم غمناک

ای وای

بر من برگیزان

بر من شعر ویران.

برگرفته از روزنامه اطلاعات

(۱) سوتماک: بقایای کشتارهای سوخته و سیاه شده  
(۲) «یالا یالا...»: همان یالله، یا الله است. یعنی زود باش، زود باش.  
(۳) هجیجی: در منطقه هورامان افرادی به روستاها سفر می‌کردند که به همراه خود جعبه‌ای پر از وسایل گوناگون برای فروش داشتند.  
(۴) سیوان: مقبره‌ای زوی تبه در حومه سلیمانیه  
(۵) هلاله: نوعی گل.



انتخابات آزاد و نگرش مناسب به قدرت سیاسی

بحث در مورد انتخابات آزاد و تدوین دیدگاههای مختلف پیرامون آن به مرکز توجه بخش قابل ملاحظه‌ای از اپوزیسیون ایران بدل شده است. برای ما پذیرش انتخابات آزاد به مثابه شیوه دموکراتیک انتقال قدرت، تزلزل از هر چیز به معنای تحولی اساسی در دیدگاه گذشته مان نسبت به مسئله قدرت سیاسی است. مطابق درک گذشته، پروتاریا - که حزب کمونیست نمایندگی مادام‌العمر آن را بر عهده داشت - وظیفه داشت برای کسب قدرت سیاسی هم در انقلاب دموکراتیک و هم در انقلابات سوسیالیستی برزمد و پس از کسب قدرت مجاز بود از حاکمیت خود با استفاده از همه وسایل دفاع کند و مخالفان و دشمنان طبقاتی را سرکوب نماید. در این دیدگاه قدرت سیاسی یکبار و برای همیشه به طبقه کارگر و در واقع حزب آن منتقل می‌گردد و پس از آن موضوع جابجایی قدرت و انتخاب دوباره حکومت منتفی می‌گردد و هر تلاشی در این راه - حتی به بیرحمانه‌ترین اشکال - سرکوب می‌شود. این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که طبقه کارگر و حزب سیاسی آن، یگانه مدافع پیگیر دموکراسی، عدالت و مردم بحساب می‌آید و هر تلاشی علیه آن تلاشی ضدانقلابی و ضد مردمی ارزیابی می‌گردد. چنین دیدگاهی در عمل به نفعی پلورالیسم و دموکراسی و حاکمیت مطلق العنان تک‌حزبی منجر گردید. احزاب کمونیست حاکم در شرایط عدم وجود دموکراسی و رقابت مسالمت‌آمیز و دموکراتیک به سرهتروبه نساد و دیکتاتوری نهادند و یکی از اشکال مخوف استبداد بر آنان و از طریق آنان بر جوامع سوسیالیستی حاکم شد.

نروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و شکست دول استبدادی حکومت یگانه و همیشگی یک‌حزب، پایه های تئوری مربوط به قدرت سیاسی در میان کمونیست‌ها را نیز ویران ساخت و تحولی اساسی نسبت به این موضوع پدید آورد. مطابق درک دموکراتیک از قدرت سیاسی هیچ حزبی، هر چند مترقی، نمی‌تواند مدعی انحصار حقیقت و نمایندگی کل ملت یا طبقه‌ای محسوب شود و این درک تمامیت‌گرا را باید برای همیشه کنار نهاد و ایده پلورالیسم سیاسی و چندحزبی به عنوان یکی از ارکان دموکراسی را جایگزین آن ساخت. وجود پلورالیسم و چندحزبی در یک جامعه - اگر نمایشی نباشد - خواه ناخواه، مسئله رقابت و مبارزه میان آنان برای دستیابی به قدرت سیاسی را مطرح می‌سازد. یگانه شیوه دمکراتیک این مسابقه و مبارزه برای به دست گرفتن سیاسی، مرجعیت مردم است. در هر کشور توده‌های مردم باید بتوانند در شرایطی آزاد و دموکراتیک احزاب و شخصیت‌های سیاسی را برای رهبری جامعه در یک دوره مشخص انتخاب و طبیعی است که این انتخابات در صورت گسترش به صورت گسترده و شایسته صورت گیرد. تناوب در معرض قضاوت آزادانه مردم قرار گیرد، برگزاری پررودیک انتخابات آزادانه بی‌شکرت و تأمین‌کننده اصل تناوب حکومت از طریق مسالمت‌آمیز و دموکراتیک است. با توجه به آنچه گفته شد، پذیرش انتخابات آزاد برای تعیین حکومت، در دیدگاه ما باید به معنی جدایی از تفکر سنتی در میان کمونیست‌ها در مورد موضوع کسب قدرت سیاسی و اعتماد به پلورالیسم و چندحزبی، تناوب قدرت و جایگزینی حکومت است. مسالمت و دموکراسی در مرجعیت مردم است. اساسی دموکراسی در هر جامعه‌ای به سر می‌رود، محسوب می‌شود. روشن است که انتخابات آزاد شیوه دموکراتیک انتخاب حکومت و تأمین اصل مرجعیت مردم در یک جامعه دموکراتیک است و در جوامعی که استبداد بر آنان حاکم است نه می‌توان به انتظار تحقق آن نشست و نه می‌توان تنها با استفاده از آن به گذار از استبداد به دموکراسی دل بست.

موضوع اساسی در خط مشی

سیاسی ما چیست؟

متاسفانه در اپوزیسیون کنونی جمهوری اسلامی، تلقی‌های نادرست نسبت به انتخابات آزاد و جایگاه آن در خط‌مشی سیاسی نیروها رواج فراوانی دارد و برخی از این نیروها مصرند که تمام مبارزه علیه استبداد حاکم را در همین شعار خلاصه کنند و از این زاویه تقابل نادرستی میان حکومت آزاد و کوشش برای پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی بوجود آورده‌اند و نیروهای اپوزیسیون را عملاً به دو دسته موافقان انتخابات آزاد و موافقان برکناری (یا سرنگونی) تقسیم کرده‌اند. به اعتقاد من این تقسیم‌بندی نادرست و این بحث که انتخابات

جایگاه انتخابات آزاد

در خط‌مشی سیاسی ما

ف. تابان  
عضو شورای مرکزی

استحاله رژیم خواهد بود یا در خدمت سمت‌گیری مبنی بر برکناری آن از قدرت. در حالت اول، انتخابات آزاد متوجه ائتلاف با جناح، جناح‌ها و یا کلاً رژیم است و اساساً در توافق با آن شکل می‌گیرد و در حالت دوم شعار و خواسته‌ای است در چهارچوب خط‌مشی پایان دادن به حاکمیت کنونی و در خدمت آن و روشن است که در هر مورد شرایط تحقق آن متفاوت است.

شعار انتخابات آزاد در ایران اگر همراه با تأکید بر پایان دادن به قدرت موجود نباشد، شعاری ذهنی و گمراه‌کننده است.

در توضیحات اکثر کسانی که مایلند شعار انتخابات آزاد را جایگزین مبارزه برای پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی سازند، ما متأسفانه هنوز با استدلالاتی قانع‌کننده در زمینه این جایگزینی مواجه نیستیم. دلایل پیش از آنکه دلایل برای توضیح یک چنین تغییری باشد، استدلالاتی است در وصف محسنات انتخابات آزاد و راه‌های مسالمت‌آمیز نسبت به مصلحت‌های توده‌ای و راه‌های تفرامیز و ارزیابی‌های فوق‌العاده ذهنی نسبت به جهان و ایران. بر همین اساسی شرایط مشخص ایران و راه‌های رفع موانع اساسی ایجاد دموکراسی در کشور ما در قالب نوشته‌های مبلغین این ایده به چشم می‌خورد.

بسیاری از مبلغین این ایده وجود دارد، انتخابات آزاد است که طی سالهای اخیر در اروپا شاهد آن بوده‌اند و هبارتست از جابجایی ساده قدرت از دست یک حزب سیاسی به حزب سیاسی دیگر بدون هیچ‌گونه انقلاب سیاسی در جامعه. در حالیکه در کشورهای استبدادی که نهادهای متعدد پاسدار استبداد وجود دارند و حکومتی دیکتاتوری با استفاده از این نهادها، قدرت خود را حفظ و اعمال می‌کنند، مسئله فقط بر سر پذیرش انتخابات آزاد از سوی این حکومتها و انجام آن نیست، بلکه موضوع به همان اندازه مهم قلیه بر مقاومت نهادهای استبدادی در برابر نتایج این انتخابات است. در پروسه دوره‌ای انتقال قدرت از یک حزب به حزب دیگر از طریق انتخابات آزاد در کشورهای اروپایی نظیر آلمان و فرانسه، احزاب سیاسی و جامعه هموما با مسئله دخالت نهادهای مثل نیروهای مسلح در انتخابات و یا استفاده از این نهادها به منظور بازگرداندن روند دموکراتیک در جامعه مواجه نیستند. اما تجربه‌های بسیار محدود برگزاری انتخابات آزاد در کشورهای استبدادی، واقعیت دیگری را نشان می‌دهد. اگر از تجربه کشورهای اروپای شرقی، که اساساً موضوع دیگری است بگذریم، نمونه‌های اندک برگزاری انتخابات آزاد در کشورهای استبدادی - حتی در شرایط تن دادن حکومت‌های موجود به آن - دخالت نیروهای مسلح، باندهای سیاه و سایر نهادهای استبدادی روبرو بوده و در اکثر این موارد، این دخالت‌ها پروسه دموکراتیک را عقیم کرده است. قضاوت در مورد انتخابات اخیر در شیلی بسیار زود است. اما تجربه انتخابات قبلی این کشور را نباید فراموش کرد. در کشوری نظیر پاکستان نیز که شرایطی نزدیک به کشور ما دارد، هر چند انتخابات هیچ‌گاه به معنوی که مورد نظر است آزاد نبوده، این واقعیت بخوبی قابل مشاهده است. در آنجا قدرت نیروهای مسلح عامل بسیار نیرومند در هر انتخاباتی بوده است. کشور خود مانیز از این نظر تجربه قابل ملاحظه‌ای دارد که هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته است. پروسه قدرت‌گیری دکتر محمد مصدق از طریق دموکراتیک، نظیر سایر کشورهای استبدادی با دخالت نیروهای ارتجاعی و کودتای مسلحانه قطع شد.

هیچ دلیلی وجود ندارد که بتوان نتیجه‌گرفت این شرایط اساساً تغییر کرده است. متأسفانه تحولات ذهنی ما در غالب موارد بسیار بیشتر از تغییرات واقعی در جهان است و تمایل نیرومندی وجود دارد که دلخواه‌ها به جای واقعیات جهان معاصر نشانده شود و نیروها و شرایط بین‌المللی عاملی در جهت تقویت این خواست و عقب‌نشینی ارتجاع در برابر آن قلمداد گردد. در منطقه ما هنوز هیچ‌گونه نشانه‌ای از برگزاری انتخابات آزاد تحت حاکمیت رژیم‌های استبدادی به

آزاد و برکناری و یاسرنگونی، را به عنوان دو راه و استراتژی متفاوت مطرح می‌کند ناشی از یک درهم‌انداختن و بی‌توجهی است. شورای مرکزی سازمان ما شاید تنها نیرویی است که هر دو شعار و یا خواسته فوق را در خط‌مشی سیاسی خود گنجانیده است و انتخابات آزاد همانگونه که اشاره شد بیانگر دیدگاه‌های عمومی ما نسبت به مسئله کسب قدرت سیاسی، مبارزه مسالمت‌آمیز، اصل مرجعیت مردم و تحقق دموکراسی است. اما به عنوان یک خواسته مشخص انتخابات آزاد را نمی‌توان به جای موضع معین علیه حکومت جمهوری اسلامی قرار داد.

تأکید بر انتخابات آزاد در خط‌مشی عمومی ما ناشی از اعتقاد ما به حق مرجعیت مردم و حق آنان در انتخاب آزادانه نظام سیاسی (و اجتماعی) کشور است. احزاب سیاسی می‌توانند برنامه‌های خود را ارائه دهند. اما انتخاب با مردم است و انتخابات آزاد و همگانی دموکراتیک‌ترین شکل تأمین این حق می‌باشد و از این اعتقاد ناشی می‌شود که حکومت در ایران باید برآمده از انتخابی همگانی، آزاد و دوره‌ای باشد و مردم مجازند هر حکومتی را که بخواهد این نخستین رکن دموکراسی را نقض کند، به هر شکلی که می‌توانند کنار گذارند.

احزاب سیاسی مجاز نیستند به بهانه پذیرش این شعار، از تعیین و بیان موضع خود نسبت به حکومت کنونی شانه خالی کنند. برخی از نیروها متأسفانه چنین می‌کنند و انتخابات آزاد را توجیهی برای عدم تعیین و بیان موضع خود نسبت به حکومت اسلامی قرار داده‌اند. اکنون این ایده طرح است که هدف مبارزه نیروهای سیاسی باید به همین خواسته محدود گردد و این خواست به خواسته استراتژیک اپوزیسیون ایران بدل گردد. این ایده و خلاصه کردن مبارزه ضد استبدادی به انتخابات آزاد، تمام معیارهای تاکتونی مبارزین رژیم را بی‌اعتبار می‌سازد. با یک چنین برداشتی جمهوری خواهی، سلطنت‌طلبی، کوشش برای استحاله و سمت‌گیری برای پایان دادن به حاکمیت رژیم، اهمیت خود را از دست می‌دهند و تئوری وفات همگانی بر سر درک سیاسی از انتخابات آزاد، جای آنها را می‌گیرد. مسایل فوق و به‌ویژه دو موضوع سلطنت و جمهوری و استحاله یا برکناری این رژیم، مسایل واقعی و اساسی جنبش ما هستند و با هیچ بدیل دیگری نباید آنها را به دست فراموشی سپرد.

برخلاف آنچه که از سوی گروهی از طرفداران انتخابات آزاد عنوان می‌شود، مسئله اساسی اپوزیسیون در شرایط فعلی انتخاب بین انتخابات آزاد و پایان دادن به حکومت کنونی نیست. بلکه انتخاب بین دو سمت‌گیری متفاوت پایان دادن به قدرت موجود و یا استحاله آن، مبارزه برای بزرگ‌شدن حاکمیت جمهوری اسلامی یا تلاش برای شکوفایی و جلب بخشی از آن می‌باشد. این موضوع روشن است که انتخاب هر یک از دو سمت‌گیری فوق، دو خط‌مشی سیاسی متفاوت و تاکتیک‌های - در بسیا

مبارزات متفاوتی را بدنبال می‌آورد. ندادن پایان دادن به حاکمیت کنونی است. سمت نه تنها هیچ ظرفیت، لیاقت و شایستگی برای گذاردن راه دموکراسی نمی‌بیند، بلکه این حکومت را بزرگترین عامل استبداد و اختناق، بزرگترین سد راه هرگونه تحول دموکراتیک می‌شناسد و پیشروی جامعه در جهت اهداف دموکراتیک را جز با خلع این حکومت و پایان دادن به قدرت آن (صرفنظر از شکل تحقق این پایان دادن) ناممکن میدانند.

آنکه به استحاله این رژیم دل بسته است. به نیروی این استحاله در درون حکومت نیز باور دارد و مناسبات خود با این نیرو را نه بر اساس پایان دادن به قدرت آن، بلکه بر اساس رشد استبدادهای استحاله‌پذیری آن قرار می‌دهد و به نوبه‌ی سیاست اتحاد و انتقاد رژیم باز می‌گردد. اگر امکان استحاله بر جناحی از رژیم متکی باشد تاکتیک‌ها متوجه ائتلاف با همین بخش می‌شود و اگر چنین قابلیت در کل رژیم تشخیص داده شود، خط‌مشی سیاسی متوجه وفات همگانی می‌شود (و البته نباید ناگفته گذارد که با توجه به "درک نوین" از دموکراسی این استحاله دو طرفه است و هر دو سوی بازی باید آتدر استحاله پیدا کنند تا برای یکدیگر قابل تحمل شوند.)

انتخابات آزاد صرفنظر از اصرار بعضی مدافعان آن که می‌خواهند پیوندش را با دوست‌گیری پیش‌گفته نغی کنند، یا در خدمت سمت‌گیری مبنی بر

چشم نمی‌خورد. طرح این مسئله در افغانستان پشتوانه ۱۰ سال جنگ خونین دارد. حوادث ماههای اخیر در منطقه خلیج فارس نیز نادرستی ارزیابی‌های ذهنی نسبت به شرایط جهانی را به ثبوت رساند. شیخ کویت با احترامات بسیار به آن کشور برگشت و نه خودش و نه حامیان غربی‌اش به روی خود نیز نیورده‌اند که خواست همده‌ای در مورد برگزاری انتخابات در آن جا وجود دارد. تجربه قابل تأکیدتر حوادث کشور عراق است. جایی که صدام حسین درست در زیر گوش سربازان امریکایی قیام‌کنندگان را با هلی‌کوپترهای توپ‌دار موشک‌باران می‌کند و دولت امریکا اعلام می‌کند که پرواز این هلی‌کوپترها برای سربازان امریکایی خطری ندارد! جهان معاصر ماجن‌ترین جهانی است.

در جمهوری اسلامی همه عوامل منفی پیش‌گفته وجود دارد و عوامل دیگری نیز که خاص این رژیم است به آنها اضافه می‌شود. جمهوری اسلامی طی ۱۲ سال حاکمیت خود، نهادهای استبدادی و ارتجاعی متعددی ایجاد کرده است. نهادهایی غیرمتعارف در جوامع استبدادی معمولی نظیر سپاه پاسداران، کمیته‌ها، بسیج، دادگاه‌های ویژه و... این حکومت ارتجاعی هم چنین بر یک قدرت اقتصادی کاملاً ویژه متکی است و شبکه‌ای از انواع بنیادها و صندوق‌های قرض‌الحسنه به وجود آورده است. یک ویژگی دیگر این حکومت این است که نهادهای خود ویژه نظامی آن به هیچ وجه از یک تمرکز و انضباط واحد برخوردار نیستند و هر چند در سالهای اخیر کوشش‌هایی در این جهت صورت گرفته اما این کوششها هنوز این احتمال را منتفی نساخته که نهادهای مسلح رژیم در شرایط بحرانی بدون اطاعت از یک مرکز و سیاست واحد به نفع مراکز و جناح‌های مختلف عمل کنند و به سرکوب جنبشهای دموکراتیک دست بزنند. پیشروی به سوی دموکراسی در جامعه ما بدون از میان برداشتن نهادهای نظامی (و اقتصادی) پیش‌گفته که در کلیت خویش پشتوانه استبداد فقهاتی هستند، امکان‌ناپذیر است. اینها نهادهایی هستند که وجودشان هیچ ضرورتی برای جامعه ندارد و اولین شرط ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک انحلال آنهاست.

حزب سیاسی مبارز نباید پایه خط‌مشی سیاسی خود را بر یک فرضیه بسیار نامحتمل نظیر تمکین رژیم اسلامی به برگزاری انتخابات آزاد قرار دهد اما حتی تحقق این فرضیه نامحتمل نیز به معنای پایان کار و هموار شدن راه دموکراسی در ایران نیست. به فرض آنکه خط‌مشی مورد علاقه آن بخش از طرفداران انتخابات آزاد که حاضر به پذیرش شعار پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و یا شعارهای مشابه دیگر نمی‌باشند تحقق یافت و جمهوری اسلامی تحت شرایطی استثنایی به برگزاری انتخابات آزاد تن داد و طرفداران دموکراسی در این انتخابات به پیروزی رسیدند، این یک فرض بسیار نامحتمل است، اما از آنجا که در این مورد تاکنون بحث‌های زیادی صورت گرفته، در این مقاله به آن پرداخته نشده است. حکومت جدید با نهادهایی نظیر سپاه و کمیته و کل ساختار سیاسی - نظامی رژیم فقط که تجدیدی مستقیم علیه حکومت انتخابی و دموکراسی خواهد بود، چه خواهد کرد؟ آیا در این نکته تردیدی هست که با وجود چنین نهادهایی نمی‌توان از استقرار دموکراسی در جامعه ایران سخن گفت؟ یا رژیم جمهوری اسلامی باید آتدر دموکراتیزه و هائل شود که خود همه این مارهایی را که در آستین پرورانده به دست خود نابود کند و به‌رای مردم تمکین نماید. جنبش انقلابی آتدر نیرو و قدرت خواهد گرفت که این نهادها را قبل از تغییر قدرت در هم بشکنند و یا حکومت انتخابی به‌شرفی که بخواهد در راه دموکراسی قدم بردارد - مجبور است نهادهای استبدادی مربوط به رژیم اسلامی را منحل نماید. نتیجه کار یکی است. جابجایی قدرت سیاسی و انحلال نهادهای پاسدار استبداد در حرف سیاسی معمول پایان دادن به حکومت قدیم، برکنار کردن آن از قدرت، برانگیدن آن و... معنی می‌دهد. برای برقراری دموکراسی در ایران چنین پروسه‌ای صرفنظر از شکل آن و صرفنظر از اینکه برگزاری انتخابات آزاد در کدام نقطه از این پروسه عملی گردد، باید متحقق شود.

بطور خلاصه: راه استقرار دموکراسی در جامعه ما یک انقلاب سیاسی است که باید قدرت موجود را از میان بردارد. این انقلابی نه به معنای هدم ره‌های دموکراسی است و نه به معنای نادیده گرفتن و طرد سایر نیروهای سیاسی، بلکه به معنای از میان برداشتن حکومتی است که جز کشتار و ویرانی محصولی نداشته است. انتخابات آزاد یک مرحله از این انقلاب و کامل‌کننده و تأمین‌کننده دموکراسی در آن است، اما تقدم یا تاخر آن بر پایان دادن به قدرت موجود، امری ثانوی است. آنچه مهم است این است که انتخابات آزاد خارج از پروسه این انقلاب سیاسی و از میان برداشتن قدرت استبدادی موجود در نظر گرفته نشود. شورای مرکزی سازمان ما تنها نیرویی است که انتخابات آزاد را در چهارچوب خط

مشی پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی طرح کرده و تحقق آن را در گرو بسیج و مبارزه مردم و درهم شکستن مقاومت رژیم می‌داند. هر چند بقیه در صفحه ۱

مشخص می‌کند که در هر مورد شرایط تحقق آن متفاوت است.

تأکید بر انتخابات آزاد در خط‌مشی عمومی ما ناشی از اعتقاد ما به حق مرجعیت مردم و حق آنان در انتخاب آزادانه نظام سیاسی (و اجتماعی) کشور است. احزاب سیاسی می‌توانند برنامه‌های خود را ارائه دهند. اما انتخاب با مردم است و انتخابات آزاد و همگانی دموکراتیک‌ترین شکل تأمین این حق می‌باشد و از این اعتقاد ناشی می‌شود که حکومت در ایران باید برآمده از انتخابی همگانی، آزاد و دوره‌ای باشد و مردم مجازند هر حکومتی را که بخواهد این نخستین رکن دموکراسی را نقض کند، به هر شکلی که می‌توانند کنار گذارند.



در حالیکه بسیاری از کشورهای مستقل جهان اصولاً با راه حل نظامی برای دفع تجاوز از کویت و حل بحران خلیج فارس مخالفت کردند و در همین حال عملیات نظامی نیروهای آمریکایی و متحدان آن را از هر باره مغایر با قطعنامه شورای امنیت در خصوص حراق اعلام نمودند و متعاقب آن پرز دوکوئینار دبیر کل سازمان ملل متحد تحت فشار افکار عمومی جهان ناگزیر گردید بخاطر کاستن از بار سنگین مسئولیت خود و حفظ "حیثیت و اعتبار" بر باد رفته شورای امنیت رسماً تاکید کند که "جنگ خلیج فارس جنگ سازمان ملل متحد نیست" و "این جنگ از چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت پانزدهم تا بیست و یکم و سایر اسقف حراق رافائل دیوید در توصیف جنایات جنگ اظهار داشت که "جنگ خلیج فارس صرفاً یک جنگ نبود، بلکه نسل‌کشی و انهدام یک تمدن و نابودی یک ملت بود که در جریان آن متحدین به رهبری آمریکا بیش از جمعیت کویت آدم کشتند و وجدان جهانی چگونه می‌تواند این را بپذیرد؟" آقای بوش به مناسبت خاتمه جنگ خود باصدام خطاب به قشون اعزامی پرده از اهداف بربرمنشانه جنگ برمی‌گیرد و با اعترافی نفرت انگیز می‌گوید: "شرح جنگ ویتنام برای همیشه در شن زارهای هرستان ذهنی گردیده است." اگر از بحث پیرامون اثبات مع الفارق بودن مقایسه جنگ آمریکا با صدام و جنگ این کشور در ویتنام در گذریم، همین ائیراف بوش به وضوح نشان می‌دهد که تجاوز صدام به کویت چه موهبتی برای این ژاندارم جهانی بود که به اصطلاح خود را از مقدمه حکارت شکست مغتضخانه جنگ ویتنام بیرون آورد و از عملیات نظامی در خلیج فارس به سود اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی خود بهره‌برداری کند.

**اقتصاد بیمار آمریکا و جنگ خلیج فارس**

تجاوز صدام به کویت مستمسکی باذآورده برای آمریکا بود که خود را به عنوان ژاندارم جهانی در دوران پس از خاتمه جنگ سرد میان دو بلوک تثبیت کند و به متحدان خود بقبولاند که تضعیف و یا فحیت حضور فعال و مسلط نظامی آمریکا زمین را زیر پای همه آنها خواهد لرزاند و مدعیانی در حاشیه ثروتمند و زرخیز صنعتی قد علم خواهند کرد که بابعیدن سهم درشتی از منافع آنها تعادل کنونی را در این قلمرو بزیان "ما در شهرهای سرمایه‌داری برهم خواهند زد، چنانکه بورژوازی عراق امیدوار بود پس از ضمیمه کردن کویت به عراق از حیث اقتصادی، سیاسی و نظامی در سطحی قرار می‌گیرد که با تاثیر گذاری بر بهای نفت در بازار جهانی به موقعیت و منافع اقتصادی گرانبایی در منطقه و بازار جهان دست خواهد یافت.

آمریکا به موهبت جنگ با صدام توفیق یافت بر حس گریز از مرکزی که پس از فروپاشی توتالیترسیم در اروپای شرقی میان هم پیمانان اروپایی و آسیایی‌اش بروز کرده بود، غلبه کند و آنان را از چنین احساسی شرمسار سازد، چنانکه فرانسه که در آغاز بحران به تکنوازی سرگرم بود، و به خاک عراق همچون حریم مقدس می‌نگریست، در اوج بحران آسمیه سر برای جبران مافات نخستین مهاجمی بود که سپاهیان خود را برای بدام انداختن سربازان واپس نشسته

عراق از کویت در جنوب عراق پیاده کرد. آلمانیا و ژاپنی‌ها که در کنگره آمریکا به شدت مورد شهادت قرار گرفته بودند که دست روی دست گذاشته‌اند تا آمریکا سبب زمین‌داف را از آتش بیرون بیاورند و به آنها هدیه کنند بااعطای امتیازات هنگفت برای تامین هزینه جنگ و به ویژه اعزام نظامیان آلمانی با تجهیزات نظامی به ترکیه و تعهد پنهان و آشکار در زمینه همکاری‌های آتی در این نوع عملیات رضایت کاخ سفید را جلب کردند. متعاقب آن ورنر دبیر کل پیمان ناتو اعلام داشت که این پیمان با وجود اضمحلال پیمان ورشو جنبه نظامی خود را برای تامین امنیت اعضای آن حفظ و تقویت خواهد کرد. بوش در گرامرگم جنگ در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که برنامه جنگ ستارگان برای مقابله با حوادث احتمالی آینده ادامه خواهد یافت و پایگاه نظامی کلارک آمریکا در فیلیپین که در اثر فشار افکار عمومی این کشور در شرف برچیدن بود بمدت ۸ سال دیگر تمدید شد.

جنگ خلیج فارس صنایع نظامی آمریکا، انگلیس و فرانسه را از رکود بیرون آورد. پنتاگون برای تکمیل سیستم ضد موشکی پاتریوت و انواع سلاح‌های تعرضی که در آزمون ویران سازی عراق نقص‌شان آشکار گردید، سفارش‌های پرهزینه‌ای به مجتمع‌های نظامی-صنعتی داده است. تنها برای افزایش کلاهک‌های موشک مدرن توهاک به ۸ کلاهک بیش از ۱/۵ میلیارد دلار اعتبار اختصاص داده است.

بوش در کنفرانس مطبوعاتی اول مارس برای اطمینان دادن به مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا در تامین پر رونق بازار فروش تسلیحات خاطر نشان کرد که: "مسئله به هیچ وجه عبارت از تحریم تسلیحاتی نسبت به کشورهای جهان نیست. تحریم تنها مدتی نسبت به برخی کشورها اعمال خواهد شد." بر اساس چنین سیاستی است که به نوشته مطبوعات، واشنگتن ۳۳ میلیارد دلار سلاح‌های مدرن به رژیم‌های دوست آمریکا در سراسر جهان می‌فروشد که دوسوم آن تنها به عربستان سعودی، ترکیه، مصر و اسرائیل و امارات متحد عربی اختصاص دارد. بتازگی مصر از آمریکا درخواست کرد که ۴۶ هواپیمای اف ۱۶، ۸۰۰ موشک زمین به هوا و ۴۴۰ بمب خوشه‌ای به ارزش یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار این کشور بگذارد.

بدیعی است که در چنین جو حاد مسابقت تسلیحاتی آن دسته از کشورهایی که در فهرست تحریم تسلیحاتی آمریکا و هم پیمانان آن قرار دارند نیازهای خود را از منابع دیگر و بازارهای مخفی سوداگران اسلحه تامین خواهند کرد.

بوش در گزارش اقتصادی خود در سال جاری میلادی سعی کرد رکود اقتصادی آمریکا را در هجوم عراق به کویت و بالا رفتن بهای نفت خلاصه کند. اما کسری ۳۴۵ میلیارد دلاری بودجه آمریکا در سال ۹۱ بوضوح نشان می‌دهد که این کسری خیره‌کننده ناشی از اقتصاد بیمار آمریکا است و بنابراین عارضه‌ای نیست که بقول آقای رئیس‌جمهور از ماه سپتامبر گذشته شروع شده باشد. در دسامبر گذشته کمیسیون بانک مجلس نمایندگان آمریکا در تشریح وضع متزلزل امپراطوری

مالی آمریکا هشدار داده بود که ۱۵۰۰ بانک از ۱۳۰۰۰ بانک بازرگانی آمریکا در معرض ورشکستگی قرار دارد و صندوق بیمه سپرده‌های بانکی قادر نیست ۶۳ میلیارد دلار اعتبار لازم را برای جلوگیری از ورشکستگی آنها تامین کند. وانگهی در حالیکه اقتصاد آمریکا تا سال ۱۹۸۸ سالانه ۷۰۰ هزار شغل جدید برای جذب نیروی کار تامین می‌نمود، در سال ۱۹۸۹ بیش از ۱۰۰ هزار نفر و در سال ۱۹۹۰ قریب به ۳۰۰ هزار نفر را از کار بیکار کرد. از پاییز گذشته تولید آمریکا از ۴٪ به ۲/۵٪ کاهش یافت. بر اثر یک چنین رکودی است که سه شرکت بزرگ اتومبیل‌سازی آمریکا، جنرال موتورز، فورد و کرایسلر ناگزیر شدند ۳۱ واحد مونتاژ خود را تعطیل کنند. به موازات آن ۱۰ شرکت دیگر سازنده اتومبیل آمریکا در فوریه گذشته اعلام کردند که تولید اتومبیل خود را نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۰٪ کاهش داده‌اند. شرکت فورد در استرالیا و لندن هم مجبور به تعطیل تعدادی از واحدهای مونتاژ اتومبیل خود شد. شرکت جنرال موتورز که با شرکت سوئدی اسکائیا زیر نام ساب در سوئد فعالیت می‌کند در سه ماه اول سال جاری تولید اتومبیل خود را تا ۲۵۰۰ دستگاه کاهش داده است.

اقتصاددانان آمریکا که در حال حاضر هیچ راه حل ساختاری برای برون رفت از رکود کنونی را در چشم انداز ندارند، نفت ارزان خلیج فارس، فروش تسلیحات و جذب هزینه‌های بازسازی ویرانگریهای خود در منطقه را مشکل‌گشای اقتصاد بیمار آمریکا یافته‌اند.

**باز هم رونق اقتصادی به حساب قارت جنوب**

برخلاف اظهارات بوش بحران خلیج فارس نه یگانه عامل بلکه وسیله‌ای برای بروز نمایش رکود اقتصادی آمریکا بود. پس از اشغال کویت توسط عراق پیش‌بینی می‌شد که اگر این بحران ۶ تا ۱۲ ماه دوام یابد با بالا رفتن قیمت نفت به میزان ۲۵ تا ۳۰ دلار در هر بشکه کسری بازرگانی خارجی آمریکا که ۴۵ درصد آن به واردات نفت مربوط می‌گردد، باز افزایش خواهد یافت و بر اثر بالا رفتن نرخ تورم و نرخ بهره رشد ناچیز کنونی اقتصاد آمریکا بیش از پیش سقوط خواهد کرد. بعکس نزول بهای نفت از کسری بازرگانی خارجی، فشار تورم و نرخ بهره می‌کاهد و رونق اقتصادی را به آمریکا باز می‌گرداند.

پیروزی در جنگ نفت و جنگ قدرت در خلیج فارس مانده‌ای آسمانی برای اقتصاد بیمار آمریکا بود. وقایع دوران بحران بنحوی جریان یافت که آمریکا و دیگر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به نفت ارزان برای رشد اقتصاد خود دست یافتند. بالا رفتن بهای نفت در ماه‌های نخست بحران بسرعت مهار شد. علت آن بود که بدستور بوش حجم متناهی از ذخایر نفت استراتژیک آمریکا وارد بازار شد. همزمان عربستان سعودی، امارات متحد عربی و

وزنوللا برای کمک به آمریکا و هم‌پیمانان آن نفت زیادی وارد بازار کردند. حتی لیبی و ایران بدون هائیت اندیشی بخاطر کسب درآمد بیشتر از فزونی بهای نفت بیش از سهمیه خود نفت به بازار عرضه کردند. به همین جهت است که پس از شروع جنگ برخلاف انتظار نه تنها بهای نفت به ۲ یاچند برابر فزونی نیافت، بلکه ۱۰ دلار پائین آمد و از ۳۰ دلار در هر بشکه به ۲۰ دلار و سپس به ۱۸ دلار سقوط کرد. باتوجه به پائین آمدن میزان تقاضا در نیمکره شمالی به علت خاتمه یافتن فصل سرما و اشباع بسیار زیاد بازار و نیز تصمیم وزنوللا به

اشاره واشنگتن در افزایش میزان تولید نفت از یک میلیون و نصد و پنجاه هزار بشکه در روز به ۵ میلیون بشکه ظرف پنج سال آینده، همانطور که زکی‌یمانی وزیر سابق نفت عربستان سعودی اخیراً پیش‌بینی کرد بهای نفت تا سطح کمی بیشتر از ۱۰ دلار سقوط خواهد کرد.

بدین ترتیب جنگ کثیف نفت هم با سرمایه‌نجومی کشورهای نفت خیز (عربستان سعودی ۵۰ میلیارد دلار کویت بیش از ۲۰ میلیارد دلار، امارات متحد عربی ۲۰ میلیارد دلار) و هم به بهای هلاکت دهها هزار کودک و زن و مرد و پیر و جوان، ویرانی اساسی‌ترین بنیادهای اقتصادی و شهری و اجتماعی عراق و کویت و تخریب جبران‌ناپذیر محیط زیست، برای تامین هژمونی سیاسی و نظامی آمریکا در منطقه و جهان و برگردش در آوردن چرخ راگرد اقتصاد آمریکا و هم‌پیمانان آن و ادامه بی‌دغدغه قارت ثروت‌های نفتی و غیرنفتی خاورمیانه پایان یافت.

اکنون لاشخوهرای جهان سرمایه‌داری برای تقسیم غنایم جنگی به منطقه هجوم آورده‌اند. سهم بیشتر از آن کشوری است که نیروی نظامی بیشتری به منطقه اعزام داشته و در عملیات کشتار جمعی و ویرانسازی پیشتان و فعالتر بوده است.

روی این اصل شرکت‌های آمریکایی، پیشاپیش رقبای اروپایی خود برای بلعیدن لقمه‌های چرب، اولین قراردادها را با شیخ کویت منعقد کرده‌اند که برای بازسازی این سرزمین که مجموعاً ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه دارد، دست به کار شوند. لقمه‌های "لاغرتر" بازسازی به ترتیب نصیب شرکت‌های انگلیسی و فرانسوی و غیره می‌گردد.

انگلیس‌ها که با نرخ تورم ۹ درصدی با رکود شدیدی روبرو هستند، امیدوارند در پرتو فعالیت شرکت‌های خود در کویت، عربستان و امارات متحد عربی از رکود بیرون آیند. فرانسوی‌ها که از موهبت بحران در خلیج فارس موفق شده‌اند فروش تسلیحات خود را در فاصله اکتبر و نوامبر گذشته از ۴۹۵ میلیون دلار به ۷۴۷ میلیون دلار برسانند، پس از هزینه‌های سرسام‌آور میاشی‌ها و بروکرسی سلاطین نفتی چیزی در چند چته نمی‌ماند. که "خودکامان" مورد حمایت کاخ سفید سفارش حضرت ایشان را در از میان برداشتن فاصله "طبقات نادار" و "طبقات بی‌نهایت ثروتمند" به کار بندند.

بلعیدن سمم حیاتی خود کشوری را که با بمب‌ها و گلوله‌های توپ زیرور کرده‌اند دوباره آباد کنند! آری، چنین است لکه ننگ تمدن معاصر و ارمقان شوم "دنیای آزاد" شمال به مردم متلاشی و قارت شده جنوب!

متاسفانه در دهه پایانی هزاره دوم هنوز بشریت زیر فشار بربریتی به مراتب دهشتناکتر از هزاره‌های ماقبل تاریخ تمدن زندگی می‌کند. اگر در آن هزاره‌ها قوم و قبیله‌ای تنها با اسیر کردن قوم و قبیله اندک شمار دیگر نضای حیاتی برای خود دست و پامی‌کرد، امروز دولت‌های زورمدار و طغیانی

بلعیدن سمم حیاتی خود کشوری را که با بمب‌ها و گلوله‌های توپ زیرور کرده‌اند دوباره آباد کنند! آری، چنین است لکه ننگ تمدن معاصر و ارمقان شوم "دنیای آزاد" شمال به مردم متلاشی و قارت شده جنوب!

متاسفانه در دهه پایانی هزاره دوم هنوز بشریت زیر فشار بربریتی به مراتب دهشتناکتر از هزاره‌های ماقبل تاریخ تمدن زندگی می‌کند. اگر در آن هزاره‌ها قوم و قبیله‌ای تنها با اسیر کردن قوم و قبیله اندک شمار دیگر نضای حیاتی برای خود دست و پامی‌کرد، امروز دولت‌های زورمدار و طغیانی

بلعیدن سمم حیاتی خود کشوری را که با بمب‌ها و گلوله‌های توپ زیرور کرده‌اند دوباره آباد کنند! آری، چنین است لکه ننگ تمدن معاصر و ارمقان شوم "دنیای آزاد" شمال به مردم متلاشی و قارت شده جنوب!

متاسفانه در دهه پایانی هزاره دوم هنوز بشریت زیر فشار بربریتی به مراتب دهشتناکتر از هزاره‌های ماقبل تاریخ تمدن زندگی می‌کند. اگر در آن هزاره‌ها قوم و قبیله‌ای تنها با اسیر کردن قوم و قبیله اندک شمار دیگر نضای حیاتی برای خود دست و پامی‌کرد، امروز دولت‌های زورمدار و طغیانی

بنا بر این، سیاست واشنگتن با چنین امییزات خودخواهانه و ارباب منشانه نه تنها به حل هیچیک از مسایل حاد و اساسی منطقه و مردم استعمارزده منطقه کمک نمی‌کند، بلکه بیش از پیش به شکاف میان شمال - جنوب و دامن خشونت‌ها و فقر و عقب ماندگی می‌افزاید.

واشنگتن مسئول مستقیم سرکوب جنبش‌های ملی و استقلال طلبانه خاور نزدیک در چهارده اخیر، قارت بیرحمانه منابع زیرزمینی کشورهای منطقه، تحمیل و تقویت رژیم‌های دیکتاتوری و ملوک‌الطوایفی، کودتاسازی، بلوک بندیهای نظامی و جنگ و قتال پایان‌ناپذیر در سراسر منطقه و از جمله حوزه خلیج فارس است. واشنگتن که هنوز با کورباطنی و تاریک اندیشی و توتالیترسیم در هر صه جهانی در سودای زهرچشم گرفتن و رفع کابوس ویتنام است، در مقابله با بحران‌های خود برانگیخته با بربریتی کم نظیر، پیچیده‌ترین تکنیک جنگی و سلاح‌های معاصر را مستبدان زده و قارت شده و انهدام هست و نیست آنها به کار می‌برد، شایستگی و ظرفیت التیام بخشیدن به روابط شمال و جنوب را ندارد. برای واشنگتن و هم‌پیمانان او انسان کالای بی‌مقداری در بازار مکاره سرمایه است. در حقیقت واشنگتن و هم‌پیمانان او با اقدام برتری جوانه و نفع طلبانه خود امید را که پس از خاتمه جنگ سرد میان دو بلوک در زمینه رفع تشنج در جهان، دمکراتیزه کردن روابط بین‌المللی، اقدام به حقوق بشر و زدودن فاصله عمیق میان شمال و جنوب در دل بشریت جوانه زده بود نقش بر آب کرد. این هشداری جدی به آن بخش از نیروهای سیاسی چپ و دمکرات ایران است که تحت تاثیر مذاکرات میان دو بلوک شرق و غرب خطر بالقوه و بالفعل دولت‌های زورمدار سرمایه‌داری، بویژه امپریالیسم آمریکا را از معادلات خود حذف و یا آن را کم رنگ کرده بودند و میان سیاست داخلی و خارجی هلاکت مساوی می‌گذاشتند.

تجربه جنگ نفت و جنگ قدرت در خلیج فارس نشان می‌دهد که خاتمه جنگ سرد میان شرق و غرب با همه مفید بودن هنوز به معنای حل تضادهای حاد شمال و جنوب نیست و چنانچه منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی این قدرت‌ها در این جا و آنجا به مخاطره بیفتد از دست زدن به هیچ توطئه و خیانتی روگردان نیستند. چنانکه آمریکا و هم‌پیمانان آن برخلاف سرو صدا پیرامون حقوق بشر، کمکان، به سیاست مدرنیزه کردن سلاحها و حفظ پایگاه‌های نظامی خود در چهار گوشه جهان ادامه می‌دهند و بنا به آمار سرسام‌آور فروش تسلیحات همچنان به مسابقت تسلیحاتی که عمده‌ترین سد و مانع برای رشد کشورهای جهان سوم است با ابعادی به مراتب گسترده‌تر دامن می‌زنند. از این رو مبارزه علیه این سیاست‌های ضد بشری مبارزه برای تامین صلح و پیشرفت و دموکراسی در سراسر جهان است.

اما آنچه به منطقه بحرانی خاور نزدیک مربوط است، این است که کشورهای منطقه خود باید به حل و فصل مسایل قلمرو خویش بپردازند و دولت‌های زورمدار آمریکایی و اروپایی را که در برآشوبیدن اوضاع منطقه و سهم

# از:

## بانک رهائی

نشریه "بانگ رهایی" ارگان کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) در شماره ۲۴، ۲۵ (آذرماه و دیماه ۱۳۶۹) ضمن افشای سیاستهای ضد مردمی و سرکوبگرانه رژیم، اخبار دیگری از مبارزات حق طلبانه مردم میهنمان در مقابله با رژیم جمجموری اسلامی را منتشر نموده است. مطالبی از این نشریه را که بطور مخفی و در داخل کشور منتشر میشود، در این شماره از نشریه کار می خوانید:

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) با صدور اطلاعیه‌ای به تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۶۹، مردم را دعوت به حمایت از مبارزات حق طلبانه کارگران پالایشگاهی نفت نموده است. در اطلاعیه مزبور آمده است:

"هم میهنان آگاه! کارگران مبارز!

در تاریخ ۸ دیماه سال جاری، کارگران پالایشگاه تهران، در اعتراض به عدم افزایش حقوق آنها همانند دیگر کارمندان شرکت نفت، در ناهارخوری پالایشگاه دست به اعتراض زدند. از آنجا که به خواسته آنها ترتیب اثر داده نشد، کارگران معترض تصمیم گرفتند از روز شنبه ۸ دی بدون خوردن ناهار به

سر کار بروند. اما باز مسئولین به خواسته آنها توجه نکردند. از این رو کارگران تصمیم گرفتند که از روز شنبه ۱۵ دی، سر کار هم نروند. به دنبال این اقدام و اعتصاب کارگران، مسئولین امر به کارگران وعده دادند که به خواسته آنها ترتیب اثر دهند و حتی آذانه وزیر نفت نیز به دیدن آنها می‌آید. در روز شنبه ۲۲ دیماه در حالیکه کارگران در ناهارخوری جمع بودند، ناگهان چهار نفر بالباس شخصی به ناهارخوری آمدند و خطاب به کارگران گفتند: "ما از شما نمی‌پرسیم چرا به سر کار نمی‌روید. شما هم از ما نمی‌پرسید که ما کی هستیم و می‌خواهیم چکار کنیم. هیچ کس به دیدن شما نمی‌آید. هیچ کس به عمل بیاورند. مورد دیگر: در مطبوعات شوروی و مغولستان درباره سوء تفاهات میان موسسات دو طرف، درباره اجرا نشدن فعالیت منظم میان آنها و نیز شملی نشدن توافق میان دولتها به مقدار زیادی نوشته شده است. این دیگر قابل بحث نیست که یک سری اسناد در زمینه همکاری اقتصادی بین المللی، بطور بارزی کهنه شده است. این مهم است که ما در رابطه

ببینیم فردا چه کسانی سر کار نمی‌روند تا تکلیفمان را با آنها روشن کنیم." بلافاصله در ساعت ۱۲ همان روز نیز بخشنامه ای صادر شد مبنی بر اینکه از تاریخ ۷/۱/۷۰ حقوق کارگران تا میزان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. کارگران ننگر اعتصاب کننده نیز تصمیم گرفتند که به اعتصاب خود پایان دهند و به سر کار بروند. در پالایشگاه تبریز و اصفهان نیز از روز شنبه ۲۲ دیماه، در اعتراض به عدم افزایش حقوق آنها، کارگران اعتصاب نموده و سر کار نمی‌روند.

کارگران ننگر تهران، نقش بسیار حساس و تعیین کننده ای در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ داشته‌اند و هنوز نیز می‌توانند چنین نقشی را در لحظات حساس و سرنوشت ساز جنبش حق طلبانه مردم میهن ایفا نمایند. باید با

انفراد در مقابل وزارت کشور در خیابان فاطمی تجمع نمودند و شعار دادند: "اگر حجاب اصلاح نشد، حزب الله دست به کار میشه!" "وصیت خمینی اجرا باید گردد، حجاب اصلاح باید گردد!" پلیس و شهربانی از مردم عادی و بویژه زنان درخواست میکردند تا از کنار این تجمع کنندگان، خونسرد و بی توجه بگذرند تا برخوردی پیش نیاید. پس از پایان تظاهرات و پراکنده شدن تظاهر کنندگان، برخی از "زنان حزب الهی" زنان هابر در خیابان ولیعصر را متوقف کردند تا آنها را "ارشاد" کنند و به آنها توهین نیز کردند. این امر مورد اعتراض زنان و شوهران آنها و نیز دختران جوان قرار گرفت و به درگیری میان آنها کشانده شد. عده ای از مردان در خیابان ولیعصر و صبا شمالی شعار دادند: "مرگ بر حزب اللهی کیف!" بلافاصله پلیس و گارد شهربانی به محل مراجعه نمودند و پس از دستگیری عده ای از معترضین، مردم را پراکنده ساختند و تا ساعت هفت و نیم بعد از ظهر با گشتی ویژه خود، خیابانهای شمال تهران را تحت کنترل قرار دادند.

"بانگ رهایی" طی خبر دیگری مینویسد:

جنگ هشت ساله بی معنی و خانمان برانداز ایران و عراق نیز، رژیم خون زندانیان محکوم به اعدام را قبل از اجرای حکم، می کشید تا بمصرف احتیاجات درمانی مجروحین حزب اللهی جبهه های جنگ برساند. از رژیمی که به هیچ آئین انسانی پایبند نیست، چنین اعمال وحشیانه و غیر انسانی، صدها تن مجیب نیست.

بقیه از صفحه آخر

### مغولستان و جامعه ملل

با گذار مغولستان و شوروی به اقتصاد بازار، باید پرسید که آیا جدید همکاری را بکار بگیریم، امیدوارم مناسبات شرفی و مغولستان بر اساس مناسبات سالم دو کشور باشد و ما میتوانیم آنرا انجام دهیم...

در زمینه تغییر و تحولات جهان باید بگویم که سیاست مادر مناسبات با قرب در حال ثمردهی است. ما قصد داریم همکاری با کشورهای غربی را رشد و گسترش دهیم. ما برای حل مسایل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و رشد کشور امیدواریم که شخص داریم. اعلام سیاست درهای بازار طرف ما، با استقبال و حمایت از طرف کشورهای آمریکا

موضوع بدهی ها اکنون بمثابه یک مسئله سیاسی مطرح است، اگرچه این خود، مسئله اقتصادی است. من فکر میکنم که دو طرف باید تلاشهای فعالانه ای جهت اتخاذ تصمیمات قابل قبول طرفین به عمل بیآورند. مورد دیگر: در مطبوعات شوروی و مغولستان درباره سوء تفاهات میان موسسات دو طرف، درباره اجرا نشدن فعالیت منظم میان آنها و نیز شملی نشدن توافق میان دولتها به مقدار زیادی نوشته شده است. این دیگر قابل بحث نیست که یک سری اسناد در زمینه همکاری اقتصادی بین المللی، بطور بارزی کهنه شده است. این مهم است که ما در رابطه

بقیه از صفحه ۸

### جایگاه انتخابات

در هم شکستن مقاومت رژیم می‌تواند شامل انحلال نهادی سرکوبگر آن هم باشد، اما با توجه به رواج نظرات مبنی بر استحاله رژیم و نئی تحول انقلابی، باید بر انحلال ارگانهای سرکوبگر آن (سیاه، کمیته، بسیج، دادگاههای انقلاب و...) و مصادره نهادهای اقتصادی وابسته به حکومت (نظیر انواع بنیادهای مختلف) بطور ویژه تاکید شود و این موارد در برنامه سیاسی ما گنجانده شود، زیرا ضرورت چنین اقداماتی که نخستین اقدامات برای برپایی دموکراسی و حراست از آن هستند، متأسفانه در میان بخشی از نیروهای اپوزیسیون با بی توجهی روزافزون مواجه شده‌اند.

### انتخابات آزاد و موضوع قهر

تاکید ما بر راه‌های مسالمت آمیز انتقال قدرت و جایگاه این موضوع در نظام فکری و ارزشی ما یکی از دلایلی است که در طرح شعار انتخابات آزاد به عنوان شناخته شده ترین روش انتقال دموکراتیک و مسالمت آمیز قدرت و حق مردم در انتخاب نظام سیاسی کشور خود، موثر است. اما در این هر سه نباید واقعیات جامعه را نادیده گرفت، دچار توهم شد و به اشاعه چنین توهماتی در میان مردم دامن زد. امروز شاهد حساسیت و کینه خشم آلودی از سوی بخشی از مخالفین رژیم نسبت به هرگونه اقدام

قهرآمیز در مبارزه علیه جمهوری اسلامی هستیم. حساسیتی که قبل از آنکه یک اقدام به راستی مسئولانه باشد، یک لجبازی یا واقعیت است. بعضی از این نیروها این حساسیت و وسواس را به جایی رسانده‌اند که حتی بنام اجلاس‌های رسمی خود، پیشاپیش هرگونه شرکت و پذیرش مسئولیت در سازماندهی اقدامات قهرآمیز احتمالی مردم در برابر رژیم را نفی کرده‌اند و مبلغ چنین ایده‌های شده‌اند که هیچ انقلاب قهرآمیز (و حتی هیچ انقلابی) نمی‌تواند به دموکراسی بینجامد و زمینه ساز دیکتاتوری تازه ای خواهد شد. صرف نظر از نادرستی این ادعا که بنظر من ناشی از چشم بستن بر تاریخ و پرسوه استوار دموکراسی در بسیاری از کشورهاست، چنین پافشاری لجوجانه ای می‌تواند در عمل به تمکین در برابر دیکتاتوری واقعی و موجود امروز به خاطر ترس از دیکتاتوری احتمالی فردا بیانجامد.

در نظریات ما نسبت به نقش قهر در تحولات جامعه چه چیزی تغییر کرده است؟ ما در گذشته قهر را می‌ستودیم و آن را هالیترین شکل تجلی مبارزه طبقاتی و تضمین کننده دموکراسی اکثریت استشار شده می‌دانستیم. در تفکر سابق ما قهر یک ارزش و نشانه رادیکالیسم و انقلابی گری بود و درجه رادیکالیسم و موفقیت هر جنبشی و به ویژه انقلاب با میزان قهر به کار رفته در آن سنجیده می‌شد. ما امروز به درستی این تئوری را مورد انتقاد قرار داده‌ایم و بر این حقیقت واقفیم که قهر نه هالیترین شکل مبارزه، بلکه بدوی ترین و غیر انسانی ترین

# خبر تو خبر

"سال ۵۶ در خدمت یکی از بزرگواران اهل علم، همراه با چند تن دیگر، درسی از درسهای حوزوی را میخواندیم. به مناسبتی روایتی مطرح شد و پس از آن همین شعر را خواندیم (به شعرش کاری نداشته باشید، مطلب چیز دیگریست) یکی از بزرگان حاضر در جلسه که هیچ یک از زندانیان را از شوخی‌ها و مزاح‌ها و دست انداختن هایش بی‌نصیب نگذاشته بود، پس از شنیدن این شعر مولوی که گفته است " سومین هست آدمیزاد و بشر، از ملائک نیمی و نیمی زخر" روگرد به من و گفت: پس حضرت تعالی قبول میفرماید که نصف وجود شما "زخر" است!... نمیدانم چطور شد که بلافاصله جوابش یادم آمد. گفتم: درست است. ولی اگر در کنار حضرت تعالی بنشینیم "یک زخر کامل" میشویم." از خاطرات برادر احمد سام در روزنامه شریفه اطلاعات

اما نباید این خواسته را به تمامی هدف مبارزه مردم و نیروهای اپوزیسیون بدل کرد و به ویژه آن راه جای خواست برحق پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی نشاناد.

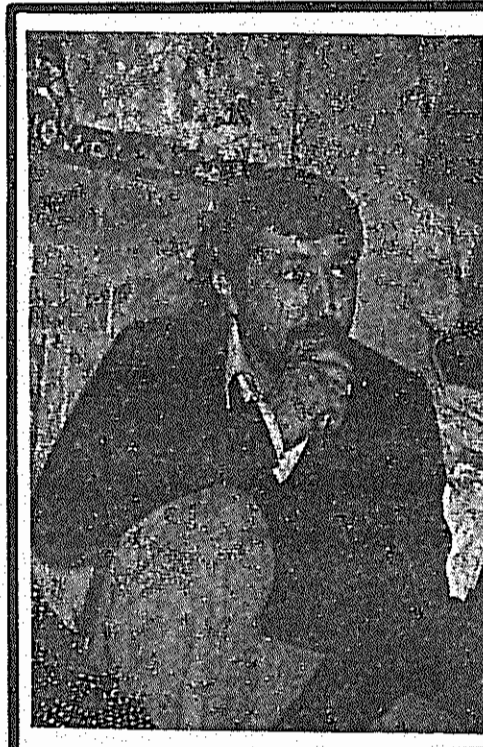
### توضیح:

در پی درج مقاله "تقدی بر یک تصمیم" در کار بهمن ماه گذشته، تذکراتی از سوی برخی از رفقای شورا در مورد انعکاس نادرستی قرار شورا به نویسنده ارائه شد. در توضیحی که در مقدمه "تقدی بر یک تصمیم" نوشته شده، این بی دقتی به تقصیر من وجود دارد. در انجا ضمن تاکید بر مخالفت شورا با اتحاد عمل با طرفداران سلطنت نوشته شده: "مذاکره، بحث و گفتگو با سلطنت طلبان و شرکت در جلساتی بدین منظور" از سوی شورا مجاز دانسته شده است. مطابق نظر رفقا آنچه مورد تصویب قرار گرفته شرکت در اجلاسهایی است که از سوی نیروهای غیر سلطنت طلب برگزار میشود و سلطنت طلبان نیز در آنها شرکت دارند. در مورد اهداف این قرار همانگونه که در مقاله ذکر شده گفته شد، تلتی واحدی وجود ندارد. تلتی من از شرکت در این جلسات به همان دلایلی که در مقاله فوق الذکر توضیح داده شد، مذاکره، بحث و گفتگو است و در آن مقاله این سیاست مورد نقد قرار گرفته است.

ف. تابان



چند تصویر



# خبرها و نظرها

## برگزاری کنگره

به گزارش نشریه فدائیان، کنگره سازمان فدائیان خلق ایران در فاصله ۱۴ تا ۱۶ دیماه برگزار شد. کنگره مذکور سندی با عنوان «جهات عمده فعالیت سیاسی سازمان» را به تصویب رساند و در همین حال تصویب کرد که برنامه «برای دموکراسی و سوسیالیسم» که پیشتر از سوی سازمان مزبور انتشار یافته بود، «چارچوب عمومی» حرکت آن تلقی شود.

تقطعهنامه درباره بحران خلیج فارس، سند دیگریست که در اجلاس مذکور به تصویب رسید. نشریه «فدائی» به همراه گزارش کنگره و اسناد مصوب، سندی تحت عنوان «اساسنامه سازمان فدائیان خلق ایران» و نیز سندی با عنوان «وظایف سازمانی ما در شرایط کنونی» را نیز منتشر ساخته است. در گزارش کنگره پیرامون سند اساسنامه گفته شده که پیش نویس اساسنامه، در اجلاس مورد بحث قرار گرفته است اما در مورد تصویب یا عدم تصویب آن مطلبی گفته نشده است.

همچنین در پایان سند «وظایف سازمانی ما در شرایط کنونی» گفته شده: «این قطعهنامه جمع‌بندی مباحث و پیشنهاداتی است که در کنگره ارائه شده و نتیجه گیری از آن بر همه هیئت مسئولین گذاشته شده است.»

در سند «جهات عمده فعالیت سازمانی» آمده است: «تمام تجارب سیاسی ۱۱ ساله اخیر ایران نشان می‌دهد که امید به استحاله رژیم جمهوری اسلامی به رژیمی دموکراتیک و یا جستجوی اترناتیو دموکراسی در درون آن تنها به توجیه رژیم و طولانی تر شدن حاکمیت آن کمک می‌کند.

مبارزه در راه سرنگونی رژیم اسلامی، استقرار نظام جمهوری مبتنی بر دموکراسی و پلورالیسم سیاسی و اصل تفکیک قوا و حقوق بشر از اهداف اساسی فعالیت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران است.

... سازمان فدائیان خلق ایران در فعالیت و مبارزه سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی به اشکال دموکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه سیاسی تکیه دارد و به کارگیری تهر و خشونت برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی رانگی میکند.

... سازمان مادر همین تأکید بر اشکال مسالمت آمیز و دموکراتیک مبارزه، حق مردم ایران در کاربست مبارزه و قیام مسلحانه برای دفاع از حقوق و منافع خود در برابر اعمال خشونت رژیم اسلامی را به رسمیت می‌شناسد.

استقرار دموکراسی در ایران خواست عمده و وسیع ترین اقبال مردم و محور اصلی فعالیت

مبارزه در راه سرنگونی رژیم اسلامی، استقرار نظام جمهوری مبتنی بر دموکراسی و پلورالیسم سیاسی و اصل تفکیک قوا و حقوق بشر از اهداف اساسی فعالیت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران است.

... سازمان فدائیان خلق ایران در فعالیت و مبارزه سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی به اشکال دموکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه سیاسی تکیه دارد و به کارگیری تهر و خشونت برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی رانگی میکند.

... سازمان مادر همین تأکید بر اشکال مسالمت آمیز و دموکراتیک مبارزه، حق مردم ایران در کاربست مبارزه و قیام مسلحانه برای دفاع از حقوق و منافع خود در برابر اعمال خشونت رژیم اسلامی را به رسمیت می‌شناسد.

استقرار دموکراسی در ایران خواست عمده و وسیع ترین اقبال مردم و محور اصلی فعالیت

پوسیده، ابرکنیم. مشاجره بالا گرفت. یکی گفت که شما باشکجه تدریجی می‌خواهید ما را نابود کنید، اگر فردا پایمان درد کند حتماً باید آترامم ببرید!

هر کس چیزی می‌گفت، رحیم به چشمان پاسدارمهدی پور خیره شد و گفت: لابد من باید همه دندانهایم را بکشم. اسم این کارهاشکجه اسلامی است نه درمان!

پاسداران گفتند: این نشانه کفر است که شما دائماً مریض می‌شوید. شما ضد انقلاب هستید و دعا کنید که هنوز زنده اید! شما از عقایدتان دست بردارید، آنوقت همه این بیماری‌ها شفا پیدا میکند!

رحیم رشته سخن را در دست گرفت: اولاً این بیماری‌ها از پلیدی شماست که قصد دارید تدریجاً ما را بکشید. دوماً ضد انقلاب شما هستید که به انقلاب مردم خیانت کردید! شباهه همه چیز پشت کردید. شما مستحق مرگ هستید!

پاسدارها رنگشان پرید. مهدی پور کلتش را رو به رحیم گرفت و گفت: به رهبر ما توهین نکن!

رحیم با کینه گفت: سه سال است که به من و آرمان من توهین میکنید. آیا شما حق دارید؟ نه! شما چنین حتی ندارید!

جو بسیار متشنج شده بود. پاسبانهای زندان کارون ساکت ایستاده اند. زندانیان غیر سیاسی هم که منتظر دکتر بودند، شروع به اعتراض کردند. پاسداران نمی‌توانستند اوضاع را کنترل کنند. پس از مدتی پاسداران زندان سپیدار که در نزدیکی زندان کارون قرار دارد، آمدند. بالاخره بدون آنکه زندان هایمان را مداوا کنند، به زندان برگشتیم. همه مان را از هم جدا کردند، کوبیدند و به انفرادی بردند...

آخرین دیدار:

مرداد سیاه ۶۷ فرا رسید. پایان جنگ و آغاز عملیات فروغ جاویدان بود.

ساعت یک بعد از ظهر پنجشنبه ۷ مرداد، در اتاق نشسته بودیم که در باز شد و پاسداران همراه با رئیس زندانهای اهواز رضا سرامی، با یکجه های نظامی و یونیفورم با چهره های غضب آلود وارد شدند و همه چیز را بهم ریختند.

همانجا همه را به محاکمه

اولین خبر: زندان فجر (زجر) سه راه خرمشهر، تابستان سال ۶۵ بود. سه سال بود که همه زندانیان سیاسی اهواز را به زندان فجر منتقل کرده و در سلولها محبوس ساخته بودند. به دلیل نبود امکانات بهداشتی و کیفیت نازل تغذیه، دندانهای مان پوسیده بود. به دنبال اعتراضات مکرر، مسئولین زندان مجبور شدند زندانیان را به درمانگاه زندان کارون بفرستند.

اواخر اردیبهشت سال ۶۷ بود. خبر در زندان کارون اهواز پخش شد: «علی ترک» (رحیم اسدالمی) دستگیر شده است.

ماموران رژیم خبرهای مفرضانه ای در زندان پخش میکردند: مدتی بعد، خبر دیگری رسید: علی ایستاده است!

اولین دیدار:

مارادو به دو دوستش دست به دست در حالیکه پاسداران مراقبان بودند، به حیاط بیرونی زندان بردند. وقتی سوار مینی بوس زندان شدم، نگاهم با نگاه مردی سبزه رو که با چشمانی مهربان ما را مینگریست، تلاقی کرد. - اسامت چیه؟

- رحیم!

- می شناسمت، رحیم! تو تنها نیستی، درود بر تو!

چشمان مهربانش درخشید. پاسداران متوجه گفتگوی ما شدند. ما از مینی بوس بیرون آوردند و بعد از جدلهای معمول دوباره سوار شدیم.

در طول راه، رحیم از سه سال پرازرنج و درد که در انفرادیهای سپاه چهارشیر و دادگاه کیانپارس و زندان فجر گذرانده بود، سخن گفت. انفرادی در دمای ۵۰ درجه اهواز! سه سال شکنجه روانی و جسمی خلی در هزم او وارد نیارده بود. جسمش در هم شکسته و بیمار و رنگش زرد بود اما اندیشه‌اش همچنان در تکاپوی انسان و انسانیت بود.

☆ ☆ ☆

در راهروی درمانگاه در صف انتظار ایستاده بودیم. پاسدار مهدی پور آمد و گفت: فقط دندانهایی را که درد میکند، باید بکشید!

بچه ما گفتند: ما باید دندانهای

ای از خواسته های دموکراتیک نظیر آزادی احزاب، تشکل، اعتصاب و... در صدر این خواسته های مشابه مجموعه ای از اهداف و خواسته های مردم باید در شرایط کنونی در راستای مبارزه برای سرنگونی رژیم در راه آنها فعالیت و مبارزه کنند، قید شده است.

ماده ۱۱ سند به شرح زیر به مسئله نوع رابطه با سلطنت طلبان پرداخته است:

سازمان فدائیان خلق ایران، گرایش را که در میان برخی نیروهای چپ و جمهوریخواه به نحوی از نزدیکی و همکاری با سلطنت طلبان جانبداری میکند، مردود و محکوم میدانند.

این گرایش موجب تضعیف اندیشه های جمهوریخواهانه و دموکراتیک است و در پوشش نوهی «ائتلاف برای ائتلاف» مسئول پراکندگی بیشتر در میان نیروهای جمهوریخواه و دموکراتیک است.

در قطعهنامه ای که پیرامون بحران خلیج فارس از سوی کنگره صادر شده، تجاوز نظامی عراق به کویت محکوم شده و بدون نام بردن از آمریکا و محکوم کردن لشکر کشی آن به خلیج فارس «راه حل» نظامی برای بحران خلیج فارس محکوم گردیده است.

## اطلاعیه های مجاهدین خلق

در این اعلامیه ها از پنج تن از پاسداران اسیر نام برده شده و رقم کشته های پاسداران قریب ۱۵۰۰ تن قید شده است.

دفتر مجاهدین مدعی شده است که حمله از سوی واحدهای سپاه پاسداران آغاز شده است. در اطلاعیه مورخ ۱۳ فروردین آمده است:

«سازمان مجاهدین خلق ایران یکبار دیگر ضمن جلب توجه شورای امنیت ملل متحد به توطئه سرکوبگرانه رژیم خمینی به منظور انشای اکاذیب روز گذشته این رژیم مبنی به حمله از خاک عراق به داخل خاک ایران توسط مجاهدین از دبیر کل ملل متحد تقاضا میکند ناظرانی به منطقه مرزی قصر شیرین و خانتین در دو سوی مرز اعزام دارد.»

## استمداد برای افشا جمهوری اسلامی

«گروهی از کردهای آواره کردستان ایران در اروپا» اعلامیه ای با عنوان «استمداد از همه احزاب و مجامع و افراد ترقیخواه و انسان دوست برای افشا و تبیح جنایات تازه رژیم جمهوری ایران در کردستان» انتشار دادند.

در این اعلامیه با استناد به سخنان عبداللّه نوری، وزیر کشور رژیم، پیرامون تخلیه روستاهای مرزی نوزی و نیسانه که قتل در نشریات سازمان نیز به آن پرداخته شد، آمده است:

«این بیانات جای هیچگونه تردیدی باقی نمیگذارد که تخریب روستاهای مرزی کردستان طبق نقشه مصوب شورای عالی امنیت ملی صورت گرفته و میگرد و این اقدامات در راستای اجرای سیاستهای این مرجع است و لذا واضح است که هاشمی رفسنجانی و دیگر سردمداران رژیم مسئولین

واقعی این اقدامات جنایتکارانه میباشند.

معنی «مشکلات امنیتی» هم روشن است، هر آبادی و روستایی که از جنبش نجات بخش کردستان به هر صورت جانبداری کند و مبارزان از جان گذشته را پناه دهد، به اصطلاح آخوند های حاکم «مشکل امنیتی» دارد و باید از روی زمین محو گردد.»

اعلامیه مذکور با عبارت زیر پایان یافته است:

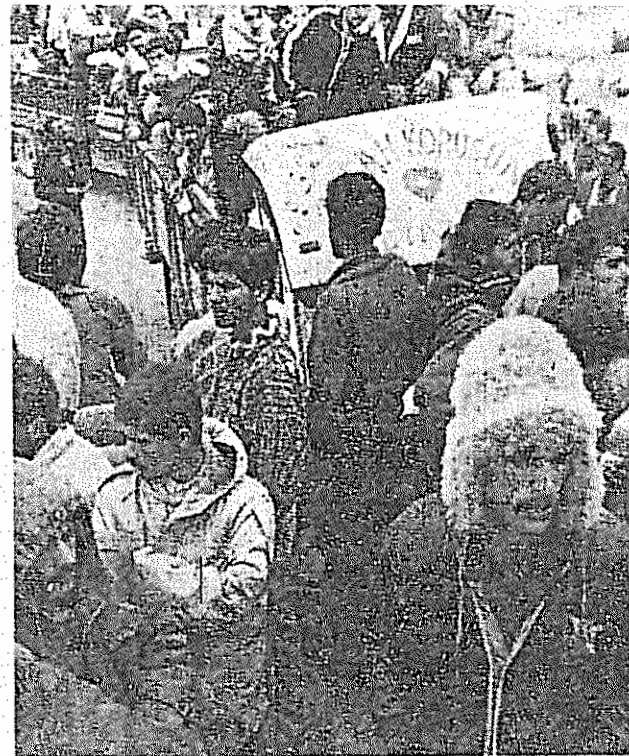
«آزادیخواهان! انسان دوستان در سراسر جهان! به نام انسانیت و به نام بشر دوستی به فریاد زنان و اطفال و پیر مردان کردستان ایران که آبادیهایشان ویران میشود، برسید بانگ فریاد و اعتراض خود را علیه جنایات تازه جمهوری اسلامی ایران هر چه رساتر سازید. باشد که این جنایتکاران از اجرای این تبهکاری طبق نقشه دست بردارند.»

### تصویب قطعنامه آتش بس با عراق

در روز سوم آوریل قطعنامه آتش بس با عراق در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رسید. مطابق با این قطعنامه یک برنامه ۱۲۰ روزه برای اجرای کامل مفاد قطعنامه آتش بس در نظر گرفته شده است. روز نخست روز تصویب قطعنامه است. از دیر کل سازمان ملل موظف می شود در مورد علامت گذاری در مرزهای عراق و کویت با دولت بغداد وارد مذاکره شود. مبنای تعیین مرز بین دو کشور مرز بندی سال ۱۹۶۳ است. در روز سوم دبیر کل موظف است طرحی برای استقرار نیروهای مسلح سازمان ملل در مرز بین دو کشور ارائه دهد. تا روز پانزدهم عراق موظف است تعداد، نوع و محل استقرار همه سلاح های شیمیایی و بیولوژیک و نیز موشک های بالستیک دارای برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر خود را به اطلاع دبیر کل برساند. تا روز سیام دبیر کل سازمان ملل موظف است صندوقی برای جبران خسارت های جنگی تشکیل دهد. بخشی از درآمد نفتی عراق به این صندوق واریز خواهد شد. تا روز ۴۵ دبیر کل موظف است کمیسیونی برای نظارت بر امر انهدام سلاح هایی که داشتن آنها برای عراق ممنوع اعلام شده تشکیل دهد. در ظرف ۴۵ روز

سلاح های قراردادی به عراق را مورد بررسی قرار می دهد. در بررسی این مساله موضع عراق نسبت به قطعنامه های سازمان ملل و وضعیت تسلیحاتی کل منطقه ملاک تجدید نظر احتمالی حول موضوع ممنوعیت صدور اسلحه به عراق خواهد بود.

پس از تصویب این قطعنامه نماینده عراق در سازمان ملل آن را دخالت در امور داخلی کشور متبوع خود توصیف کرد. از برخی موضع گیری های دولتمردان عراقی در روز شنبه ۶ آوریل این برداشت صورت می گیرد که حکومت بغداد حاضر است به این قطعنامه تن در دهد.



### تظاهرات کردها

#### در اروپا

از صفحه اول

#### سوئد

در این تظاهرات "شیر کوبی کس" شاعر مشهور کرد اشعاری تراثت نمود و خواننده معروف سوئد "لیل لیند خورش" که معمولاً در مراسم اهدای جایزه نوبل شرکت میکند، ترانه های خود را خواند.

همچنین در صبح روز یکشنبه ۷ آوریل حدود ۸۰ نفر از کردها به سفارت عراق در استکهلم حمله کردند. پلیس مانع اشغال سفارت از سوی آنها شد. اما از داخل سفارت به تظاهر کنندگان تیراندازی شد. تظاهر کنندگان اعلام داشتند که هدفشان اثبات این نکته بود که محل مذکور سفارتخانه نیست، بلکه محل اقامت تروریست ها و جنایتکاران است.

علاوه بر اینها اعتصاب فذائی که در سه شنبه شب، در یکی از کلیساهای شهر استکهلم آغاز شده همچنان ادامه دارد.

#### آلمان

یکی از بزرگترین تظاهرات روز شنبه ۶ آوریل در بن صورت گرفت. در این تظاهرات همه نیروهای اپوزیسیون عراق از جمله شیعیان شرکت داشتند. حزب سبزها و اتحادیه کارگری آلمان نیز از این تظاهرات حمایت کردند. تظاهر کنندگان که تعداد آنها بیش از ۱۰۰۰ تن گزارش شده، در محاصره پلیس در خیابانهای بن راهپیمایی کردند. در این تظاهرات شعارهایی به نفع کردها و محکومیت رژیم صدام حسین داده شد و در قطعنامه پایانی توقف کشتار خلق کرد طلب گردید. همزمان با این تظاهرات گروهی به سفارت کوبا که به قطعنامه محکومیت در سازمان ملل رای منفی داد - حمله کردند و در اثر دخالت پلیس دو نفر مجروح شدند. روز جمعه گذشته نیز هواداران پ. ک. ک. - یک گروه چپگرای کرد ترکیه - به سفارت عراق در بن حمله کرده و شیشه های ساختمان آنرا خورد کردند. این اقدام با دخالت پلیس آلمان به درگیری انجامید و

بیش از دو هزار نفر به دعوت کمیته همبستگی کردها و سوئدیها در یک راهپیمایی سوگواری شرکت کردند. آنها که پلاکاردهایی با شعار "کشتار کردها را قطع کنید!" حمل میکردند، سرود "ای شهیدان" را میخواندند.

چند تن از نمایندگان مجلس سوئد در این تظاهرات شرکت کردند و از حق کردها در تعیین شیوه زندگی خود دفاع کرده، از دولت سوئد درخواست نمودند که برای درمان مجروحان کرد بیمارستان صحرایی موجود در هرستان را به یکی از کشورهای همجوار عراق منتقل کند.

در این مراسم پیامهای مسعود بارزانی و جلال طالبانی تراثت شد. در این پیامها از تلاشهای انجام یافته برای انعکاس ابعاد جنایت صدام تشکر شده است.

خوانندگان مشهور کرد نظیر دکتر شوان، ناصر رزازی، نجم الدین غلامی و کاله در این مراسم سرود خواندند. کاوه، خواننده کرد عراقی نیز با صدای چرخدارش در مراسم حاضر شد.

### مفولستان و جامعه ملل

مقاله زیر توسط جمبوسوران وزیر روابط خارجی جمهوری خلق مفولستان نوشته شده است.

بررسی جدی سیاست خارجی کمیته مرکزی حزب خلق مفولستان از پلنوم پنجم در سال ۱۹۸۸ آغاز شده است. در بخشی از اسناد برنامه ای جدید ارگانهای دولتی آمده است که ما بطور دقیق امروز اعلام می کنیم که در رابطه با سیاست خارجی،

همکاری متقابل با همه کشور ها را می پذیریم. پوشیده نیست که مفولستان زمان درازی در چهارچوب "سیستم بلوکها" عمل میکرد. سیستمی که بیش از همه "منافع همکاریهای سوسیالیستی" را در نظر داشت. طبیعی است که دیدگاه ما با حرکت از این نقطه نظر شکل گرفت و در نتیجه مفولستان در هرصه سیاست خارجی با چهره خود ظاهر نشد. ما بطور تنگاتنگ وابسته به باصلاح همکاری طبقاتی بودیم.

روشن است که در چنین صورتی سیاست خارجی هر کشوری، در هر ادامی، تحت تاثیر این وابستگی قرار گیرد. ما در جهان رابطه ها زندگی می کنیم و نه در جهان ایزوله شده و باید توجه داشت که حق حاکمیت بطور نسبی از طریق استقلال و موازنه اساسی ترین منافع کشور تامین میشود. نمی توان موقعیت جغرافیایی - استراتژیکی کشور را در نقشه در نظر نگرفت. قبل از هر چیز نقاط قوت و ضعف جمهوری خلق مفولستان مربوط به این است که این کشور در میان دو ابر قدرت قرار دارد. اگر کشور بطور سالم رهبری میشد ما می بایستی با هر دو کشور همسایه رابطه خوب و مناسبات متقابل برقرار میکردیم. ولی به دلایل تاریخی مشخص، در زندگی و در عمل مسئله به این شکل جریان پیدا نکرد. در تمام سالها سیاست خارجی دولت خلقی ما در سمت نظرات اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته و دارد. این برخورد یک بعدی، دارای نارسایی های فراوان و موجب صدمات زیادی شد.

به نقل از روزنامه پراودا - جمعه ۸ فوریه ۱۹۹۱

کمی روی مناسبات مفولستان و شوروی مکث می کنم. اگر کم و بیش خواهان حقیقت باشیم و بطور همین به مسئله نگاه کنیم، واقعیت روشن میشود. باید درک جدیدی از ثمرات همکاری داشته باشیم. ما سالهای زیادی مناسبات مفولستان و شوروی را تابع ایدئولوژی کردها کرده بودیم. فکر می کردیم در این رابطه هیچ مسئله ای وجود ندارد. ما همیشه اترا بمثابه جزئی از مناسبات بین المللی نوین تبلیغ میکردیم. البته واقعیت های زیادی در آن نهفته بود ولی سئوالات جدی هم وجود داشتند که رویم انبار شده بودند.

باید صفحات تراژدی سالهای ترور را به خاطر داشت. اتفاقا شوروی از این اعمال ابراز تاسف کرد. گزارش تاس در این مورد در ژوئیه سال گذشته تلب مغولها را متاثر کرد و مردم ما اثر اجماعه توبه پذیرفتند و این برای زدودن کینه از قلب مردم ما مهم بود.

در مورد همکاری اقتصادی همه چیز صاف و هموار نبود. گسستگی ها خود را از قبل نشان میدادند... نمی خواهم در مورد این مسئله فکر کنم که شوروی می خواست ما را همیشه مقروض و وابسته به خود نگاه دارد ولی همکاری ماباست بدهی فراوان از طرف کشور مفولستان به شوروی شد.

مکانیزم همکاری اقتصادی جامعه عمل نپوشید و سرمایه ها همیشه بطرز معطلانه مورد استفاده قرار نمی گرفت. بقیه در صفحه ۱۰

امروز ما قصد داریم انحرافات را رفع و یکسری اشتباهات را اصلاح کنیم. از یکسری شعارها و بیانیه ها رهایی یابیم و روابط خارجی را از قید و بند برهانیم. می خواهیم با ایجاد تحول در ارتباط سنتی و بر اساس رابطه برابر حقوق، با دو همسایه مناسبات برقرار کنیم. ما همچنین می خواهیم با کشورهای آسیایی و غرب هم رابطه وسیعی برقرار کنیم.



ذوق و شوق اولیه وحدت آلمان شرقی با غربی فرو حو، بیده و توهم توده آلمان شرقی برای اینکه بلافاصله پس از وحدت از سطح زناه فریبها بر خوردار خواهند شد زائل گشته است. شکاف شرق و غرب در آلمان مدام ژرفای بیشتری مییابد. هم اکنون یک سوم نیروی قادر به کار در شرق آلمان فاقد کار است. کارخانه ها بسته میشوند و ثروت این منطقه و حاصل کار زحمتکشان آن از سوی سرمایه غربی و سرمایه داران و زمینداران فاشیست پس از جنگ خلق ید شده، به غارت میرود. کاریکاتور بالا تصویرگر این واقعیت است که ویرانی شرق آلمان بحران شدیدی را دامنگیر غرب این کشور خواهد کرد.

تعدادی از تظاهر کنندگان و افراد پلیس مجروح شدند. در تظاهرات مذکور شعارهایی نیز علیه مجاهدین خلق داده شد و سازماندهندگان تظاهرات اعلام کردند که مجاهدین خلق در سرکوب کردها شرکت داشته اند.

#### لندن

بیش از ۵۰ نفر از کردهای متیم لندن در اعتراض به نحوه برخورد آمریکا به قیام کردها، در مقابل سفارت آمریکا در لندن دست به اعتصاب فذائی زدند. اعتصاب فذائی از سه شنبه گذشته آغاز شد تا لحظه تنظیم این خبر ( عصر یکشنبه ۷ آوریل ) ادامه دارد. شبها بیش از دویست نفر به نشانه همبستگی در کنار اعتصابیون قرار میگیرند.

از سوی واحد انگلستان سازمان ما با اعتصابیون اعلام همبستگی شده است.

در لندن همچنین سفارت عراق به مدت چهار ساعت در اشغال گروهی از معترضین درآمد. پلیس لندن اعلام کرد که از ساختمان سفارت مهمات، گلوله و چاشنی و نیز سندی که رابطه کمپانیهای اسلحه سازی انگلستان و دولت عراق را اثبات میکند، به دست آمده است.

پلیس لندن کسانی را که در جریان حمله به سفارت عراق بازداشت کرده بود، روز بعد آزاد نمود.

#### فنلاند

گروهی از تظاهر کنندگان به سفارت عراق حمله کردند و تروریستهای متیم سفارت به سوی آنان تیراندازی نمودند.

#### اتنکار

در جریان حمله تظاهر کنندگان به سفارت تیراندازی همال حکومت عراق، یکی از تظاهر کنندگان کرد کشته شد.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بجای اشتراک، تمبر پستی و یار سید بانگی پرداخت بجای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمائید.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

<b>KAR</b> No.1 Wed. 10 April 1991	 ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH1810 5100AACHEN GERMANY	کدبانک: M.ABD NR-36263011 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY